

پژوهشنامه

فقه و
احکام

Journal of
Social Jurisprudence Research

A Jurisprudential Analysis of Using Artificial Intelligence in the Process of Scientific Content Production

Sedigheh Hatami / Taher Alimohammadi* / Ali Mohammadian

Stable URL: <https://doi.org/10.30497/sj.2026.248872.1501>

تحلیل فقهی استفاده از هوش مصنوعی در فرآیند تولید محتوای علمی

صدیقه حاتمی / طاهر علی محمدی* / علی محمدیان

پیوند دائمی: <https://doi.org/10.30497/sj.2026.248872.1501>



Copyright 2025 The Author(s)

Published by Imam Sadiq University , Tehran, Iran

This work is fully Open Access under the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) license, allowing non-commercial use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and not modified. Social Jurisprudence research strictly follows the ethical guidelines of the Committee on Publication Ethics (COPE) which all readers, authors, reviewers, and editors are expected to observe and uphold.



A Jurisprudential Analysis of Using Artificial Intelligence in the Process of Scientific Content Production

Sedigheh Hatami: Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ilam University, Ilam, Iran.

se.hatami@ilam.ac.ir

Taher Alimohammadi: Associate Professor, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ilam University, Ilam, Iran (Corresponding Author).

t.alimohamadi@ilam.ac.ir

Ali Mohammadian: Associate Professor, Department of Jurisprudence and Islamic Law, Bozorgmehr University of Qaenat, Qaen, Iran.

mohammadian@buqaen.ac.ir

Abstract

1. Introduction and Objective

The rapid expansion of artificial intelligence in the production of academic content has raised new jurisprudential questions. On the one hand, modern tools used to facilitate research are customary and acceptable; on the other hand, replacing the human researcher without transparency conflicts with the principles of academic integrity. The main objective of this study is to clarify the jurisprudential ruling on the use of artificial intelligence in the production of academic content based on the foundations of Imami jurisprudence.

2. Methods and Materials

This study adopts a descriptive–analytical method with an ijthad-based approach. The functions of artificial intelligence in the production of academic content are examined by referring to the Qur'an, hadith, and jurisprudential sources.

3. Research Findings

The use of artificial intelligence in the production of academic content can be examined under two distinct categories: instrumental use and substitutive use. In its instrumental function, artificial intelligence serves as a technical assistant and poses no legal problem. However, in its substitutive function, artificial intelligence becomes the primary agent of content production, and attributing the work to the researcher without disclosing its machine-generated origin constitutes concealment of the truth and scholarly deception. The argument for prohibiting this latter form is based on teachings from the Qur'an and Sunnah, jurisprudential principles such as deception and harm, the evidences prohibiting fraud and deceit, as well as an independent rational argument.

4. Discussion and Conclusion

Instrumental use of artificial intelligence, when its role is truthfully disclosed, is not only permissible but can also enhance research quality. However, substitutive and concealed use conflicts with the jurisprudential



principles of truthfulness, trustworthiness, and the prohibition of deception, and is therefore unlawful.

Keywords: Artificial Intelligence; Academic Content Production; Instrumental Function; Substitutive Function; Jurisprudential Evidence.

تحلیل فقهی استفاده از هوش مصنوعی در فرآیند تولید محتوای علمی

صدیقه حاتمی: استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. se.hatami@ilam.ac.ir

طاہر علی محمدی: دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران (نویسنده مسئول). t.alimohamadi@ilam.ac.ir

علی محمدیان: دانشیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه بزرگمهر قائنات، قائن، ایران. mohammadian@buqaen.ac.ir

چکیده

۱. مقدمه و هدف

گسترش هوش مصنوعی در تولید محتوای علمی، پرسش‌های فقهی نوپدید ایجاد کرده است. از یک سو، ابزارهای نوین برای تسهیل پژوهش، متعارف هستند و از سوی دیگر، جایگزینی پژوهشگر انسانی بدون شفاف‌سازی، با اصول امانت علمی تعارض دارد. هدف اصلی این پژوهش، تبیین حکم فقهی استفاده از هوش مصنوعی در تولید محتوای علمی بر اساس مبانی فقه امامیه است.

۲. مواد و روش‌ها

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد اجتهادی انجام شده است و کارکردهای هوش مصنوعی در حوزه تولید محتوای علمی با مراجعه به قرآن، روایات و کتب فقهی بررسی شده است.

۳. یافته‌های تحقیق

بهره‌گیری از هوش مصنوعی در تولید محتوای علمی، ذیل دو قسم متمایز «کارکرد ابزاری» و «کارکرد جانشینی» قابل بررسی است؛ در کارکرد ابزاری، هوش مصنوعی نقش مُعین فنی دارد و فاقد اشکال شرعی است، اما در کارکرد جانشینی، هوش مصنوعی فاعل اصلی تولید محتواست و انتساب اثر به پژوهشگر بدون اشاره به منشأ ماشینی، مصداق کتمان حق و تدلیس علمی محسوب می‌گردد. استدلال بر حرمت این قسم، مبتنی بر آموزه‌هایی از کتاب، سنت، قواعد فقهی غرور و لاضرر، ادله نهی از غش و تدلیس و همچنین دلیل مستقل عقلی صورت گرفته است.



سال سیزدهم | شماره دوم | پیاپی ۲۶ | بهار و تابستان ۱۴۰۴ | صفحات ۶۴۹-۶۸۷
مقاله پژوهشی | تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۰ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۶

۴. نتیجه گیری

استفاده ابزاری از هوش مصنوعی با اعلام صادقانه نقش آن، نه تنها جایز، بلکه موجب ارتقای پژوهش است، اما استفاده جانشینی و پنهان، با اصول فقهی صدق، امانت و منع تدلیس تعارض داشته و حرام شمرده می شود.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی؛ تولید محتوای علمی؛ کارکرد ابزاری؛ کارکرد جانشینی؛ مستندات فقهی.

مقدمه

امروزه جهان معاصر شاهد ظهور و گسترش پدیده‌ای تحول‌آفرین به نام هوش مصنوعی شده است که به سرعت در حال دگرگون ساختن بنیان‌های سستی حیات بشری می‌باشد. در این میان، عرصه علم و پژوهش به عنوان یکی از ارکان پیشرفت جامعه، از تأثیرات شگرف این فناوری نوین مصون نمانده است. ظهور ابزارهای پیشرفته مبتنی بر هوش مصنوعی، فرآیند تولید محتوای علمی را دستخوش تغییراتی بنیادین کرده است. این فناوری‌ها این توانایی را دارند که در کسری از ثانیه انبوهی از داده‌ها را پردازش کنند، متونی پیچیده و منسجم تولید نمایند، ایده‌پردازی کنند، ترجمه انجام دهند و حتی به تحلیل داده‌ها بپردازند. این توانمندی‌های خیره‌کننده، در عین حال که فرصت‌های بی‌بدیلی را در جهت تسریع و غنای پژوهش‌های علمی در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد، پرسش‌ها و چالش‌های اخلاقی و فقهی بی‌سابقه‌ای را نیز به همراه آورده است. یکی از حساس‌ترین این عرصه‌ها، تولید محتوای علمی اعم از تدوین کتاب، نگارش پایان‌نامه‌ها، رساله‌های دانشگاهی و مقالات علمی است که همواره نماد خلاقیت، صداقت و زحمت طاقت‌فرسای پژوهشی بوده‌اند. استفاده از هوش مصنوعی در این حوزه، مرز بین کمک‌گیری مشروع و تقلب علمی را به شکلی پیچیده دشوار ساخته است.

روشن است که برای جامعه علمی متعهد به ارزش‌های دینی، این پرسش‌ها تنها به عرصه اخلاق محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد عمیق‌تری می‌یابد که جای بحث و بررسی دارد؛ زیرا اگر در گذشته دغدغه اصلی اهل علم، امانت در نقل اقوال و دقت در استدلال‌ها بود، امروز مسئله‌ای جدید به میدان آمده است و آن این است که آیا می‌توان متنی را که هوش مصنوعی تولید کرده است، به نام خود عرضه کرد و اگر چنین باشد، حکم فقهی آن چیست؟ پاسخ به این سؤال بنیادین مستلزم واکاوی در متون اصیل فقهی و تطبیق قواعد کهن بر مصادیق نوظهور است.

ضرورت پرداختن به این موضوع از چند جهت آشکار است. نخست، سرعت فوق‌العاده گسترش این فناوری است که فرصت تأمل و سیاست‌گذاری را از نهادهای علمی سستی گرفته است. بسیاری از دانشجویان و پژوهشگران، در حال استفاده از این ابزارها هستند و نادیده گرفتن این واقعیت، به معنای چشم‌پوشی از پدیده‌ای است که به

سرعت در حال تبدیل شدن به بخشی از زندگی علمی است. دوم، ضرورت صیانت از اخلاق علمی؛ از آنجا که یکی از سرمایه‌های مهم جامعه علمی، اعتماد متقابل میان پژوهشگر و مخاطب است. اگر این اعتماد به واسطه سوء استفاده از فناوری‌های نو دچار خدشه شود، نه تنها ارزش مدارک علمی، بلکه حیثیت معرفتی جامعه اسلامی در معرض تهدید قرار می‌گیرد. سوم، فقدان یک چارچوب نظری مستند به منابع اسلامی؛ زیرا فقه امامیه همواره توانسته است خود را با مسائل نو وفق دهد و احکام شرعی را در قالب قواعد کلی استنباط نماید. در این مسئله نیز لازم است نشان داده شود که چگونه می‌توان با استناد به قواعد فقهی، چارچوبی منسجم برای جواز یا حرمت استفاده از هوش مصنوعی در تولید محتوای علمی ارائه داد.

بنابراین، پژوهش حاضر با هدف پر کردن بخشی از این خلأ نظری، و با اتکا به روش توصیفی-تحلیلی و استناد به منابع معتبر فقهی، سعی دارد به بررسی حکم شرعی استفاده از هوش مصنوعی در تولید محتوای علمی بپردازد. از این رهگذر، نخست با گردآوری داده‌ها درباره کارکردهای هوش مصنوعی در تولید علمی، ابعاد مسئله روشن می‌شود و سپس با رجوع به مستندات و منابع فقهی کوشش می‌شود حکم مسئله از حیث فقهی تبیین و تحلیل گردد.

۱. پیشینه پژوهش

مطابق بررسی انجام گرفته در حوزه فقه، پژوهش مستقلی که به‌طور خاص حکم شرعی استفاده از هوش مصنوعی در نگارش متون علمی را بررسی کرده باشد، یافت نشد؛ اگرچه برخی پژوهش‌ها تلاش کرده‌اند به‌صورت مصداقی و در چارچوب ابواب خاصی از فقه، نحوه کاربست هوش مصنوعی را مورد واکاوی قرار دهند. برای نمونه، در مقاله‌ای با عنوان «حکم تکلیفی به‌کارگیری هوش مصنوعی به‌عنوان قاضی از منظر فقه امامیه» (طباطبایی و به‌نیا، ۱۴۰۱)، نویسندگان کوشیده‌اند نشان دهند که تحت چه شرایط و قیودی می‌توان از این فناوری در جایگاه قضاوت در محاکم بهره برد. همچنین در نوشتاری دیگر با عنوان «بررسی فقهی حکم آموزش کسب‌وکار با عامل هوش مصنوعی» (محمدیان‌امیری و ایزدی‌فرد، ۱۴۰۲)، موضوع حکم فقهی فعالیت‌های اقتصادی در فرض استفاده صاحبان مشاغل از هوش مصنوعی برای انجام معاملات،

مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در مقاله‌ای با عنوان «بررسی توان رقابت هوش مصنوعی با ذهن انسان از منظر قرآن» (تشکری و رجبی، ۱۳۹۷)، به تطبیق مبانی انسان‌شناسی قرآن کریم با اصول کلی نظریه هوش مصنوعی پرداخته شده است. در پژوهش دیگری با عنوان «مقدمه‌ای بر چالش‌های هوش مصنوعی در حوزه مسئولیت مدنی» (تخشید، ۱۴۰۰)، نویسنده چالش‌های پیش‌روی هوش مصنوعی در ارتباط با مسئولیت مدنی را بررسی کرده و تمرکز خود را بر دو عرصه رایج در جهان معاصر، یعنی خودروهای خودران و کاربردهای پزشکی این فناوری، معطوف ساخته است.

بنابراین، باتوجه به پژوهش‌های صورت گرفته و ضمن ارج نهادن به تلاش‌های علمی مزبور، نوآوری پژوهش حاضر در آن است که برای نخستین‌بار، هم حکم شرعی تکلیفی استفاده از هوش مصنوعی به گونه جانشینی به صورت مستدل اثبات شده، هم آثار وضعی آن تبیین گشته و هم مستندات و ادله فقهی ناظر به استفاده از هوش مصنوعی در نگارش و تولید محتوای علمی، استخراج و بر موضوع تطبیق داده شده است.

۲. مفاهیم پژوهش

۲-۱. هوش مصنوعی

هوش مصنوعی شاخه‌ای از علوم رایانه است که به طراحی و ساخت سیستم‌ها و الگوریتم‌هایی می‌پردازد که قادرند وظایفی را انجام دهند که معمولاً به هوش انسانی نیازمندند، از جمله ادراک، استدلال، یادگیری و تعامل با محیط. این سیستم‌ها با بهره‌گیری از مدل‌های ریاضی و روش‌هایی مانند یادگیری ماشین و یادگیری عمیق، از داده‌ها الگو می‌آموزند و بدون دستورالعمل‌های صریح برای هر وضعیت، به تصمیم‌گیری یا پیش‌بینی می‌پردازند (Russell & Norving, 2023: p.19).

تکامل فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و پیشرفت‌های مرتبط با رایانه و ماشین‌ها زمینه‌ساز ظهور هوش مصنوعی شده و این حوزه را به نقطه‌ای رسانده است که دستگاه‌ها می‌توانند مجموعه‌ای از عملکردهای نزدیک یا مشابه با رفتارهای هوشمند انسانی را اجرا کنند؛ به عبارت دیگر، هوش مصنوعی نماد تجمع نوآوری‌ها و

پیشرفت‌های فناوریانه‌ای است که توانایی اجرای کارکردهای پیچیده‌ای را به ماشین‌ها می‌بخشد (Lijia & Pingping & Zhijian, 2024: p.2).

براساس آنچه گفته شد، می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که هوش مصنوعی به سامانه‌هایی اطلاق می‌شود که در موقعیت‌های گوناگون توانایی تصمیم‌گیری داشته و رفتارهایی شبیه به کنش‌های هوشمندانه انسان بروز می‌دهند. به بیان دیگر، این فناوری در پی آن است که فرآیندهای انسانی، مانند شبیه‌سازی شیوه‌های تفکر و استدلال، واکنش‌های متناسب به موقعیت‌ها و نیز قابلیت یادگیری، اندوختن دانش و به‌کارگیری استدلال برای حل مسائل، توسط ماشین محقق گردد.

ناگفته نماند ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی قادرند به اموری از قبیل خلاصه‌سازی متون و کاهش حجم مقالات و کتاب‌ها، ترجمه ماشینی دقیق منابع پژوهش، پیشنهاد ساختار نگارش کتاب یا مقاله و ارائه طرح کلی برای پژوهش، اصلاح نگارش، ویرایش زبانی و بهبود متن از نظر قواعد دستوری و سبکی و مواردی مانند تحلیل داده‌های آماری و پردازش سریع داده‌های کمی و کیفی پرداخته و حتی پیش‌نویس متن علمی را نیز انجام دهند.

۲-۲. تولید محتوای علمی

در تاریخ تفکر اسلامی، نگارش متون علمی همواره جایگاه ویژه‌ای داشته است. تدوین کتاب، تقریر درس استاد، تنظیم حاشیه یا شرح و حتی پاسخ به پرسش‌های علمی، مصادیقی از این تلاش معرفتی بوده است. در همه این موارد، اصل صداقت و نسبت دادن اثر به صاحب واقعی آن اهمیتی بنیادی داشته و جعل یا سرقت علمی، امری مذموم دانسته شده است. در همین راستا، مطابق استظهار عقلی و عرفی، تولید محتوای علمی را می‌توان فرآیندی دانست که طی آن پژوهشگر یا محقق، با گردآوری داده‌ها، تحلیل منابع، نقد دیدگاه‌ها و عرضه نتایج نو به جامعه علمی، اثری مکتوب یا دیجیتال ارائه می‌کند. این فرآیند می‌تواند اشکال گوناگونی داشته باشد؛ از تألیف یا تصنیف کتاب گرفته، تا تدوین مقالات علمی، تا نگارش پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی و حتی گزارش‌های پژوهشی در نهادهای علمی.

پوشیده نیست که ویژگی اساسی این تولید محتوا، اصالت علمی و انتساب واقعی آن به مؤلف است. بدین معنا که شخص ارائه‌دهنده اثر باید در مقام نویسنده اثر شناخته شود و دستاورد نهایی، بازتاب کوشش، اندیشه و روش او باشد. در این چارچوب، در مجامع علمی، تولید محتوای علمی، صرفاً هدف و غایت نهایی نیست، بلکه شاخصی برای سنجش میزان توانایی پژوهشگر در به‌کارگیری روش علمی و مهارت‌های پژوهشی به شمار می‌رود؛ ضمن آنکه می‌بایست ارائه آن تولید علمی، چنان واقعی، منطقی و مستدل باشد، که بتوان با اعتماد بر یافته‌ها و نتایج آن، دانش را در آن حوزه ارتقا و گسترش داد. بنابراین، ارزش یک متن علمی تنها در محتوای آن خلاصه نمی‌شود، بلکه از یک سو، نشان‌دهنده توان پژوهشگر در طی مراحل مختلف پژوهش از مسئله‌یابی تا تحلیل و نگارش خواهد بود و از سوی دیگر، نتیجه واقعی، منطقی و مستدل آن، امکان اعتماد بر آن را جهت توسعه و تعمیق علم در همان عرصه فراهم می‌سازد.

۲-۳. تفکیک کارکردهای هوش مصنوعی در تولید محتوای علمی

به نظر می‌رسد مطابق استظهار عقلی و عرفی، دوگونه استفاده از هوش مصنوعی در تولید محتوا، امکان‌پذیر است:

الف) کارکرد ابزاری:

در این حالت، هوش مصنوعی نقش کمک‌کننده داشته و پژوهشگر همچنان در جایگاه اصلی قرار دارد و هوش مصنوعی صرفاً به او در سرعت، دقت یا نگارش یاری می‌رساند. از منظر علمی، ابزار بودن به این معناست که هوش مصنوعی صرفاً به عنوان وسیله‌ای برای جمع‌آوری داده‌ها، سازمان‌دهی اطلاعات، تحلیل آماری یا ارائه پیشنهادات نگارشی عمل می‌کند و هیچگاه نقش تصمیم‌گیری نهایی، داوری علمی یا استنباط محتوایی را بر عهده ندارد. به عبارت دیگر، خروجی هوش مصنوعی در این نوع کارکرد تنها ماده خام است که بدون نظارت، بازبینی و تحلیل انسانی فاقد اعتبار علمی است.

ب) کارکرد جانشینی:

در اینجا، پژوهشگر تقریباً تمام بار پژوهش را بر دوش هوش مصنوعی می‌گذارد. مثلاً دانشجویی کل پایان‌نامه را به کمک هوش مصنوعی می‌نویسد و بدون تلاش واقعی آن را به استاد تحویل می‌دهد. در واقع کارکرد جانشینی هوش مصنوعی زمانی رخ می‌دهد که پژوهشگر، هوش مصنوعی را نه به عنوان ابزار کمکی، بلکه به عنوان جایگزین مستقیم خود در تولید محتوا، تصمیم‌گیری علمی و استنتاج‌های پژوهشی به کار گیرد. در این وضعیت، نقش انسانی در فرآیند تحقیق و نگارش تا حد زیادی حذف می‌شود و هوش مصنوعی تمام یا بخش عمده‌ای از فعالیت‌های پژوهشی را انجام می‌دهد. این نوع بهره‌گیری، برخلاف کارکرد ابزاری، مسئولیت انسانی پژوهشگر را کمرنگ می‌کند و امکان نظارت، بازبینی و قضاوت علمی مستقل را محدود می‌سازد. خروجی نهایی در چنین شرایطی اغلب محصول الگوریتم‌ها و داده‌های ماشینی است و پژوهشگر صرفاً نقش توزیع‌کننده یا منتشرکننده را دارد، بدون اینکه تضمینی بر صحت، دقت و اعتبار علمی وجود داشته باشد.

شایسته ذکر است که مقصود این پژوهش از بحث درباره ممنوع بودن یا عدم جواز استفاده از هوش مصنوعی در تولید محتوای علمی، تنها ناظر به کارکرد جانشینی آن است؛ یعنی هنگامی که AI جایگزین پژوهشگر شده و بخش عمده یا تمام فرآیند تحقیق، تحلیل و نگارش را بر عهده می‌گیرد.

۳. تحلیل ادله فقهی کارکرد جانشینی هوش مصنوعی در تولید محتوای علمی

در این بخش مهم‌ترین مبانی و مستندات فقهی ناظر به مسئله، مورد تبیین و تحلیل قرار می‌گیرند.

۳-۱. مبانی قرآنی منع اخفاء منشأ تولید علمی

در استنباط حکم مسائل نوپدید، از جمله کارکرد جانشینانه هوش مصنوعی در تولید محتوای علمی، مراجعه به قرآن کریم نه از باب تطبیق نص خاص بر موضوع خاص، بلکه از رهگذر استخراج قواعد عام و ملاک‌های کلی صورت می‌گیرد. آیات قرآن غالباً ناظر به اصول بنیادینی‌اند که قابلیت توسعه و انطباق بر مصادیق مستحدث را دارند. از



این رو، روش صحیح در این مقام، کشف «ملاک نهی یا الزام» در آیات و تنقیح مناط آن برای تطبیق بر مسئله مورد بحث است. بر این اساس، در ادامه سه دسته از مبانی قرآنی که ظرفیت استنباط حکم در این مسئله را دارند، مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

۳-۱-۱. منع خلط حق و باطل و کتمان حقیقت

خداوند در آیه ۴۲ سوره بقره می‌فرماید: «وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ حق را با باطل نیامیزید و حقیقت را با اینکه می‌دانید پنهان نکنید».

از دو بخش این آیه می‌توان بر ممنوعیت استفاده از هوش مصنوعی در تولید محتوای علمی به نحوی که جانشین پژوهشگر گردد و محصول تولید شده به شخص پژوهشگر نسبت داده شود، استفاده کرد: الف) «وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ؛ «لبس» در لغت به معنای آمیختن امور، برخی با برخی دیگر است (صاحب‌ابن‌عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص. ۳۲۹) و التباس از همین ریشه به معنای مشتبه شدن است (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص. ۹۷۳). باطل هم در لغت به معنای ضد حق و چیزی است که بی‌پایه و بی‌ثبات بودنش بعد از فحص و جستجو کشف می‌شود (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۱۲۹). این قسمت از آیه بر ممنوعیت و حرمت آمیختن حق با باطل دلالت دارد؛ زیرا سبب مشتبه شدن باطل و امور غیر واقعی و بی‌پایه و اساس به حق خواهد شد، به گونه‌ای که مخاطبان باطل را حق می‌پندارند و در نتیجه به ضلالت و گمراهی می‌افتند. بنابراین، فخر رازی در توضیح این آیه بیان می‌کند که دستور «وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ» به پرهیز از گمراه کردن دیگران مربوط است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص. ۴۸۵). در واقع، مخلوط نکردن حق و باطل، شرطی برای جلوگیری از ابهام در معارف و روشن ماندن مسائل است (صادقی‌تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص. ۳۶۶). باتوجه به وحدت ملاکی که از سیاق آیه به دست می‌آید، فرقی میان این فرض که بخشی از مطلب القایی، حق و بخشی ناحق و نادرست باشد، با این فرض که همه آن مطلب، باطل و خلاف واقع باشد، نیست؛ زیرا در هر صورت، نتیجه نهایی، گمراهی دیگران است.

نظر به اطلاق آیه، حق و باطل محدود به حوزه اعتقادات و احکام و معارف دینی نیست و هر قول و فعلی را (حتی در عرصه علمی) در برمی‌گیرد؛ چنانکه از نظر برخی لغویان در هر دو عرصه قول و فعل کاربرد دارد (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۱۲۹). بر

این مبنای انتشار یک اثر و تولید علمی برای دیگران، در حالی که قسمت عمده‌ای از آن (آمیخته با بخشی از علم تولیدی انسان) یا همه آن (بدون امتزاج با تحلیل و نتایج حاصل از تحقیق انسانی) از ناحیه هوش مصنوعی است، بدون اعلام انتساب به هوش مصنوعی، امر را بر مخاطبان مشتبه می‌سازد و بر باطل، لباس حق می‌پوشاند؛ زیرا اثر تولیدی ماشینی بدون اتکا به اندیشه و تحلیل انسانی و بدون بررسی صحت و سقم داده‌ها، آمار و تحلیل‌ها به صورت جدی در معرض خطا است و در آن احتمال ایجاد گمراهی در اندیشه دیگران و انحراف در مسیر گسترش یک علم و نتایج حاصله به شدت می‌رود. بنابراین، مستفاد از اطلاق آیه و ملاکی که از آن به دست می‌آید (حرمت گمراه کردن دیگران)، چنین اقدامی از سوی محققان و پژوهشگران ممنوعیت شرعی و فقهی دارد.

آیه دیگری در قرآن آمده که مؤید استدلال به آیه محل بحث است. در آیه ۹ سوره انعام آمده است: «وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبَسُونَ؛ و اگر او را فرشته‌ای قرار می‌دادیم، حتماً وی را بصورت انسانی درمی‌آوردیم؛ (باز به پندار آنان) کار را بر آنها مشتبه می‌ساختیم؛ همان طور که آنها کار را بر دیگران مشتبه می‌سازند». علامه طباطبایی این آیه را از سنخ آیه ۵ سوره صف: «... فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ...»؛ هنگامی که آنها از حق منحرف شدند، خداوند قلوبشان را منحرف ساخت، دانسته و آورده است: «این مشتبه‌سازی، گمراه‌سازی خداوند برای آنان است بعد از اینکه آنها برای خود، گمراهی را ترجیح دادند بدون اینکه گمراه‌سازی، ابتدایی باشد که شایسته ساحت مقدس او نیست» (طباطبایی، ۱۳۷۳، ج ۷، ص. ۲۳). طبق این تفسیر از آیه و تشبیه آن به آیه ۵ سوره صف، معلوم می‌شود که مشتبه‌سازی از مقوله انحراف و گمراه‌سازی است و از آنجا که به علت حذف متعلق فعل یلبسون، این مشتبه‌سازی عمومیت دارد و شامل مشتبه‌سازی بر خود و دیگران دارد (طباطبایی، ۱۳۷۳، ج ۷، ص. ۲۳)، عدم اعلام انتساب اثر علمی تولید شده توسط هوش مصنوعی به آن، مصداق مشتبه‌سازی بر دیگران است که خداوند آن را مذموم و انحراف از حق دانسته است.

ب) «وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ مطابق این قسمت از آیه، کتمان حق و حقیقت حرام است؛ زیرا همانند امتزاج حق با باطل یا جای دادن باطل به جای حق، سبب گمراهی دیگران خواهد شد. لذا برخی از مفسران تصریح کرده‌اند که هر دو عمل چه



کتمان حق و چه ترکیب آن با باطل از نظر اثر و نتیجه یکسان هستند و هر دو خطا و گناه محسوب می‌شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص. ۲۰۸). فخررازی نیز بر همین نکته اذعان نموده و آورده است: «اگر شخص به دلایل حق دسترسی نداشته باشد، می‌توان با پنهان کردن حقیقت و جلوگیری از دسترسی او به اطلاعات، او را گمراه ساخت» (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص. ۴۸۵). استفاد از اطلاق آیه در ممنوعیت کتمان حق و ملاک به دست آمده از آن، نسبت دادن محتوای تولید شده توسط هوش مصنوعی به خود انسان، کتمان حق و حقیقت و گمراه کردن دیگران در مورد اثر تولیدی است. وقتی که یک مجله معتبر علمی با اعتماد به ارسال کننده مقاله علمی، اقدام به انتشار آن کند، طبیعتاً خوانندگان آن مقاله نوعاً با اعتماد به آن مجله به داده‌ها، آمار و نتایج به دست آمده تکیه کرده و آن را محصول یک کار علمی دقیق انسانی تلقی می‌کنند و بالتبع در اندیشه و دانش به خطا می‌افتند که این امر جدا از اینکه ممکن است در حوزه ضمان و مسئولیت مدنی (نسبت به مجله، مخاطبان، دانشگاه یا مؤسسه پژوهشی و...) برای او مشکل‌ساز شود (که البته محل بحث این مقاله نیست)، بی‌شک نتیجه‌ای جز ایجاد انحراف و سردرگمی در مسیر پیشرفت علم و دانش در آن موضوع یا سلب اعتماد سایر پژوهشگران به مقالات منتشر شده و به دنبال آن، رکود علمی جامعه، به دنبال نخواهد داشت.

باتوجه به تحلیل دقیق دو شاخه اصلی آیه شریفه «وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»، می‌توان دریافت که این دو نهی قرآنی در واقع دو روی یک سکه بوده و هر دو به یک حقیقت واحد، یعنی ممنوعیت هرگونه رفتاری که موجب گمراهی دیگران می‌شود، اشاره دارند. از منظر فقهی، آنچه در مسئله استفاده از هوش مصنوعی در تولید محتوای علمی اهمیت محوری دارد، نه صرف بهره‌گیری از این ابزار، بلکه نوع مواجهه با مخاطب و جامعه علمی است. در کارکرد جانشینی، پژوهشگر با دو اقدام هم‌سو مرتکب عمل حرام می‌شود؛ از یک سو، با ارائه اثر ماشینی به عنوان محصول اندیشه خویش، باطل را در لباس حق به مخاطب عرضه می‌دارد (مصدق «لبس»)، و از سوی دیگر، با پنهان داشتن منشأ واقعی اثر، حقیقت را کتمان می‌کند (مصدق «کتمان»). نتیجه نهایی این دو اقدام، گمراهی مخاطبی است که با

اعتماد به ظاهر اثر، آن را مبنای قضاوت، استناد یا پژوهش بعدی خویش قرار می‌دهد. بدین ترتیب، آیه شریفه با نفی هرگونه التباس و کتمان، مرز روشنی میان استفاده مشروع و نامشروع از فناوری‌های نوین ترسیم می‌کند؛ مشروعیت در گرو شفافیت و صداقت در انتساب است و هرگونه التباس، امتزاج حق با باطل و پنهان‌کاری، حتی با انگیزه تسریع در تولید علم، به دلیل غایت گمراهی که در پی دارد، مشمول اطلاق نهی قرآنی و حرام شرعی خواهد بود.

۳-۱-۲. حرمت کذب و افتری

خداوند در آیه شریفه مزبور مقرر می‌دارد: «إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ»؛ تنها کسانی دروغ می‌بندند که به آیات خدا ایمان ندارند؛ (آری)، دروغگویان واقعی آنها هستند». شأن نزول این آیه و آیات قبل (۱۰۱ - ۱۰۴) درباره مشرکانی است که به پیامبر اسلام (ص) تهمت می‌زدند که به خدا افترا و دروغ می‌بندد (قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۰، ص. ۱۷۹). طبق گفته ابن عباس، مشرکان می‌گفتند پیامبر اصحابش را مسخره می‌کند؛ یک روز آنها را به چیزی دستور می‌دهد و فرادیش به چیز دیگر؛ او دروغ می‌گوید و مسائلی را از پیش خودش برای آنها می‌آورد (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۶، ص. ۲۰۰). هرچند شأن نزول آیه درباره موضوعی است که گفته شد، اما چنانکه اصولیون گفته‌اند، خصوص مورد خدشه‌ای بر عموم عام وارد نمی‌سازد و به عبارتی دیگر مورد، مخصص نمی‌شود (زحیلی، ۱۴۱۹ق، ص. ۲۰۳؛ صدر و ایروانی، ۲۰۰۷م، ج ۳، ص. ۷۰)؛ بنابراین، آیه محدود به دروغ و افترا بر پیامبر (ص) نمی‌شود، بلکه چنانکه شیخ طبرسی در تفسیر خود آورده است: «در آیه، منع از دروغگویی است؛ زیرا خداوند سبحان خبر داده که تنها کسی دروغ می‌گوید که ایمان نداشته باشد» (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۶، ص. ۵۹۶). از این رو، امام خمینی آورده است: «این آیه درصدد بیان کبرایی کلی است و آن اینکه تخلق به کذب، محدود به کسانی است که ایمان به آیات خداوند ندارند و با توجه به تأکید بر عمومیت این حکم در عبارت «وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ» روشن می‌شود که دروغ به صورت مطلق از خواص غیر مؤمن است» (خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص. ۱۰۱) و همانگونه که برخی از مفسران گفته‌اند، آیه «در زمینه زشتی دروغ سخن می‌گوید و دروغگویان را در سر حد کافران و



منکران آیات الهی قرار می‌دهد... ولی به هر حال، زشتی و قبح دروغ، اجمالاً در این آیه مجسم شده است» (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص. ۴۱۱). فخررازی از مفسران بزرگ اهل سنت نیز مستفاد از آیه، دروغ را از بزرگترین گناهان کبیره دانسته است (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۰، ص. ۲۷۲). در برخی احادیث در اثبات اینکه ایمان با کذب جمع نمی‌شود، به آیه مذکور استناد شده است. از جمله حدیثی که از پیامبر (ص) نقل شده و برخی از فقها آن را در کتابهای فقهی خود آورده‌اند (خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص. ۱۰۰). در روایتی آمده که شخصی از پیامبر (ص) سؤال کرد: آیا مؤمن زنا می‌کند؟ فرمودند: گاهی چنین اتفاق می‌افتد. گفت: آیا مؤمن دزدی می‌کند؟ فرمودند: گاهی چنین است. گفت: ای رسول خدا! آیا مؤمن دروغ می‌گوید؟ فرمودند: خیر، خداوند فرموده‌اند: انما یفتی الکذب الذین لایؤمنون (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص. ۸۶).

بسیاری از فقیهان امامی، با استناد به آیه مزبور، کذب را در زمره کبائر قلمداد نموده‌اند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص. ۱۲؛ شیرازی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص. ۱۲۵). برخی هم در ذیل همین آیه با وجود اینکه کذب را فقط در صورت انتساب به خدا، رسول (ص) و اوصیای او (ع) از کبائر شمرده‌اند، اما در اصل حرمت آن تردیدی نکرده‌اند (خوئی، بی‌تا، ج ۱، صص. ۳۸۷-۳۸۹). پس مستفاد از این آیه، ممنوعیت و حرمت شرعی مطلق کذب به دست می‌آید؛ به این معنا که در آیه، ارتکاب دروغ و نوع ممنوع از آن، مقید به قیدی نشده؛ از این جهت، شامل هر نوع دروغی در هر زمینه‌ای می‌شود. بر این اساس، انتساب غیرواقعی یک اثر علمی تولید شده به خود، که حاصل تلاش شخص دیگر یا محصول تجمیع و تحلیل هوش مصنوعی است و نتیجه تلاش علمی او محسوب نمی‌شود، مصداق کذب و ممنوع و حرام است. در این قضیه فرقی نیست بین آن جایی که صراحتاً اعلام انتساب به خویش کند یا در عدم اعلام انتساب به هوش مصنوعی ظاهراً سکوت نماید؛ زیرا صرف اقدام او به ارسال مقاله به یک مجله علمی یا مرکز نشر همراه با ارسال مشخصات شخصی خود، نوعی اعلام انتساب دروغین به خود است؛ پس مخاطب آیه شریفه خواهد بود. نیز چنین اقدامی گویای عدم ایمان او است؛ زیرا مستفاد از آیه و برداشت مفسران و فقها، هرگونه دروغی نشان از عدم ایمان شخصی می‌دهد که آگاهانه اقدام به دروغگویی می‌کند. بنابراین، راستگویی در اعلام

انتساب گویای صداقت ناشی از ایمان او است که نه تنها یک الزام و موضوع اخلاقی، بلکه یک تکلیف دینی است.

آنچه از تحلیل آیه شریفه و برداشت مفسران و فقها به دست می‌آید، آن است که حرمت کذب در اسلام چنان مطلق و فراگیر است که حتی با ایمان نیز قابل جمع نیست. انتساب اثر تولید شده توسط هوش مصنوعی به خود، در حالی که پژوهشگر نقشی محوری در خلق آن نداشته، مصداق بارز کذب و افترا محسوب می‌شود؛ خواه این انتساب با تصریح بدان و خواه با سکوت در مقام ارائه اثر صورت گیرد. چنین اقدامی فراتر از یک تخلف پژوهشی، نشان‌دهنده فاصله گرفتن از صداقتی است که قرآن کریم آن را ویژگی مؤمنان راستین معرفی کرده است.

۳-۱-۳. امانت داری و وفای به عهد

خداوند در آیه مزبور در وصف مؤمنان می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ؛ و آنان که امانت‌ها و عهد خود را رعایت می‌کنند». مطابق آیه شریفه، مؤمنان کسانی هستند که تحفظ بر عهد و پیمان خویش دارند (راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص. ۲۳۸). نیز آیه بر حسن وفا به هر عهدی دلالت می‌کند (نراقی، ۱۴۱۷ق، ص. ۹) و می‌توان آن را مستندی بر قاعده «المؤمنون عند شروطهم» قلمداد کرد (مصطفوی، ۱۴۲۱ق، ص. ۲۶۳).

به نظر می‌رسد با توجه به تفاسیر شیعه و اهل سنت می‌توان از مفاد آیه به‌عنوان یک معیار شرعی در زمینه تولید محتوای علمی با استفاده از هوش مصنوعی استفاده کرد. در تفسیر قرطبی آمده است: «امانت و عهد دربرگیرنده همه آن چیزهایی است که انسان، عهده‌دار آن در امر دین و دنیای خود، چه به صورت قول و چه به صورت عمل می‌شود. آنچه را که متکفل و عهده‌دار شده، شامل ارتباط (و تعامل اجتماعی) با مردم، وعده‌ها و غیر آن می‌شود. غایت امر، حفظ این امور و انجام آنها است. امانت اعم از عهد است و هر عهدی امانت محسوب می‌شود، در آنچه که قبلاً در آن قولی داده، یا به فعلی متعهد شده یا به آن اعتقاد پیدا کرده است» (قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۲، ص. ۱۰۷). مطابق این تفسیر هر قول یا عملی که شخص در ارتباطات و تعاملات دنیوی خود با دیگران متکفل انجام آن می‌شود، امانت و عهد محسوب می‌شود که می‌بایست هم آن را

انجام دهد و هم درست انجام دهد. اعلام انتساب اثر علمی تولید به صاحب اصلی آن و یا ابزار به وجود آورنده آن (هوش مصنوعی) از همین قبیل است. پژوهشگری که متکفل انجام یک تحقیق می‌شود، طبق قواعد و قوانین حاکم بر مقوله تحقیق متعهد است که آن را درست انجام دهد؛ بنابراین، لازم است که اولاً محصول تلاش علمی خود او از منابع معتبر و منتج از داده‌های واقعی و نقد و تحلیل خود او باشد و ثانیاً در راستای رعایت اصالت آن متعهد به حفظ قواعد و قوانین حوزه پژوهش در میزان انتساب پژوهش و نتایج به خود و دیگران (چه افراد و چه ابزار و ماشین‌های هوشمند) خواهد بود. بنابراین، در ارتباط و تعامل خود با مخاطبان، مجلات و مراکز علمی باید به چنین عهدی که مستفاد از تفسیر قرطبی از آیه شریفه، امانت محسوب می‌شود، وفا کند و امانت‌دار صدیقی باشد. نیز همان‌گونه که فخررازی معتقد است، امانت شامل هر چیزی می‌شود که ترک آن داخل در خیانت خواهد شد (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۳، ص. ۲۶۲) و روشن است که ترک اعلام انتساب محصول پژوهشی به هوش مصنوعی، زمانی که به‌طور کامل یا به‌گونه غالب نقش اصلی را داشته باشد، خیانت به اعتماد مجلات علمی، دانشگاه یا مؤسسه پژوهشی ذیربط و مخاطبان و به‌طور کلی علم و پژوهش است. از این رو، طبق تفسیر فخررازی اعلام انتساب آن، از مصادیق امانت و مشمول آیه شریفه می‌شود.^۱ بنابراین، پژوهشگران، از جمله مخاطبان این آیه هستند؛ زیرا با ورود به حوزه تحقیق و پژوهش، یک عهد و پیمان کلی و ضمنی در خصوص رعایت مقررات خاص این حوزه بسته‌اند. افزون بر این، محقق که قصد ارسال تولید پژوهشی را برای مثلاً یک مجله علمی دارد، با توجه به شرایط مندرج در دستورالعمل مجلات، که تحقیق ارسالی او باید از اصالت برخوردار باشد، صریحاً و عملاً متعهد شده که مقاله ارسالی او اصیل باشد. بر این اساس، اگر پژوهش انجام شده توسط هوش مصنوعی انجام گرفته باشد، غیراصیل بودن آن را باید اعلام کند. در این صورت می‌توان گفت که شرعاً وفای به عهد و رعایت امانت کرده و گرنه اقدام او هم مخالف امانت‌داری و هم تعهدی است که بدان ملتزم شده است. از سوی دیگر، حق دیگر انسان‌ها و مخاطبان علمی این نوع پژوهش‌ها است که بدانند، پژوهش انجام گرفته، متعلق به نویسنده یا کسی دیگر؛ از جمله هوش مصنوعی است. روشن است که اگر مخاطب بداند که مطلب تولید شده، متعلق به هوش مصنوعی است، با احتیاط بیشتری

با محتوای منتشر شده برخورد می‌کند و نتایج آن را بدون راستی آزمایی و به آسانی تلقی به قبول نخواهد کرد و در اثر اعتماد به آن، دچار خطا و لغزش در پذیرش یک نتیجه یا نتایج نادرست نمی‌شود. اگر چنین شفاییتی محقق نشود، امکان گمراهی مخاطبان در دریافت صحیح محتوای منتشر شده وجود دارد که این خود یک نوع تضییع حق مخاطبان در انتقال مطالب واقعی و صحیح به آنان است که طبق آیه شریفه رعایت آن الزامی است. بنابراین، عدم اعلام محتوای تولید شده توسط هوش مصنوعی به عنوان محصول خود، وفاداری به این عهد را نقض می‌کند؛ چنانکه مخالف امانتداری و تضییع حقوق مخاطبان به علت گمراه کردن آنها در اعتماد به یک اثر غیر اصیل با داده‌هایی احتمالاً غیرواقعی است و آسیب‌رسان به مجله، دانشگاه و مؤسسه پژوهشی ذیربط در صورت کشف خلاف خواهد بود. در نتیجه، آیه فوق می‌تواند مبنای محکمی برای الزام فقهی ارائه دهد که هرگونه محتوای تولیدشده توسط هوش مصنوعی باید به روشنی به مخاطب معرفی شود و اینکه نسبت دادن آن به خود انسان، مصداق خیانت در امانت، نقض عهد و تضییع حقوق است. ورود به عرصه پژوهش و تولید علم، به‌ویژه در بستر نهادهایی چون دانشگاه‌ها و مجلات علمی، نوعی پذیرش ضمنی امانت و عهدی نانوشته با جامعه علمی است؛ جامعه‌ای که انتظار دارد هر اثر علمی بازتابی صادقانه از تلاش، اندیشه و مسئولیت‌پذیری پژوهشگر باشد. آیه شریفه «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» با تأکید بر ضرورت رعایت امانت و وفای به عهد، مرز روشنی بین رفتار مؤمنانه و غیرمؤمنانه ترسیم می‌کند. پژوهشگری که بدون اعلام صریح، اثر تولیدشده توسط هوش مصنوعی را به نام خود عرضه می‌دارد، در حقیقت امانتی را که همانا اعتماد مخاطب، مجله یا مؤسسه علمی است، نقض کرده و به عهدی که با آنان بسته، وفا نکرده است. چنین اقدامی نه تنها خیانت در امانت علمی است، بلکه مصداق بارز تضییع حق مخاطبانی است که با اعتماد به اصالت اثر، ممکن است نتایج نادرست را مبنای پژوهش‌های بعدی خویش قرار دهند. بنابراین، شفافیت در اعلام نقش هوش مصنوعی، نه یک الزام شکلی و اداری، بلکه ادای دین و وفای به عهدی است که هر پژوهشگر متعهد، در پیشگاه خداوند و جامعه علمی بر عهده دارد.

۴-۱. روایات ناظر به حرمت کذب

حرمت کذب اجمالاً از ضروریات است (خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۶۰)، اما با این وجود، فقها برای اثبات حرمت آن به دلایل نقلی زیادی از آیات و روایات از جمله آیه ۱۰۵ سوره نحل استدلال کرده‌اند که بیان آن گذشت. در جوامع حدیثی امامیه، روایات بسیاری در باب حرمت کذب وارد شده است که جملگی این اخبار، به عموم و اطلاق خود می‌توانند بر مدعا دلالت نمایند. این روایات از چنان بسامدی در تراث حدیثی برخوردارند که در شماری از کتب اصیل روایی از قبیل «الکافی» کلینی، تحت عنوان باب مستقلی ذکر شده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۳۸؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۲۴۳). در همین راستا، در روایات منقول از معصومان (ع) به مؤمنان توصیه شده است که از دروغ خودداری کنند، اگرچه تصور کنند که در آن نجات است؛ زیرا چیزی جز هلاکت در دروغ نیست. پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «اجْتَنِبُوا الْكَذِبَ؛ وَ إِنْ رَأَيْتُمْ فِيهِ النَّجَاةَ؛ فَإِنَّ فِيهِ الْهَلَكَةَ» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص ۸۸). در روایتی دیگر از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است: «جَانِبُوا الْكَذِبَ فَإِنَّهُ مُجَانِبٌ لِلْإِيمَانِ الصَّادِقُ عَلَى شَفَا مَنَاجَاهٍ وَ كَرَامَةٍ وَ الْكَاذِبُ عَلَى شَرَفٍ مَهْوَاهُ وَ مَهَانَةٌ» (نهج البلاغه: خطبه ۸۶) «از دروغ- گویی برکنار باشید که از ایمان فاصله دارد؛ راستگو در ساحل نجات و بزرگواری است و دروغگو در لبه پرتگاه هلاکت و پستی است». این همان سفارش پیامبر گرامی اسلام (ص) به ایشان بود که در وصیت خود به حضرت فرمودند: «كَانَ فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ (ص) لِعَلِيِّ (ع) أَنْ قَالَ يَا عَلِيُّ أَوْصِيكَ فِي نَفْسِكَ بِخَصَالٍ فَاحْفَظْهَا عَنِّي... أَمَّا الْأُولَى فَالصِّدْقُ وَ لَا تَخْرُجَنَّ مِنْ فَيْكِ كَذِبَةٌ أَبَدًا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۷۹). از دروغ‌گویی برحذر باش و مباد که از دهانت جز به راستی سخنی دیگر خارج شود.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، این روایات دروغ را ناسازگار با ایمان معرفی می‌کنند و تأکید دارند که حتی تصور منفعت کوتاه مدت نمی‌تواند مجوزی برای دروغ‌گویی باشد. همان تحلیلی که در تبیین و تطبیق آیه ۱۰۵ نحل، ذکر آن گذشت، در اینجا می‌آید. مطابق این احادیث و روایات فراوان دیگر که در مذمت و ضرورت اجتناب از دروغ به طور مطلق وارد شده‌اند، هر نوع دروغی در هر زمینه و به هر شکلی از نظر شرعی ممنوع و حرام است. بر این اساس، نسبت دادن محتوای تولید شده توسط هوش مصنوعی به خود، در فرضی که منشأ واقعی آن پنهان بماند، مصداق عملی



مزورانه و دروغ و رفتاری ناسازگار با ایمان است که باید از آن اجتناب کرد؛ امری که در صورت ارتکاب مصداق کار حرام و مشمول ممنوعیت خواهد بود. روایات متواتر و صریحی که از پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) در مذمت کذب و تأکید بر جدایی آن از ایمان وارد شده، چارچوبی محکم برای سنجش صداقت در تمام عرصه‌های حیات فردی و اجتماعی ترسیم می‌کند. این روایات، کذب را حتی در فرض توهّم نجات، هلاکت‌بار معرفی کرده و راستگویی را فصل الخطاب ایمان می‌دانند. در مسئله تولید محتوای علمی با هوش مصنوعی، وقتی پژوهشگر اثر ماشینی را بدون تصریح به منشأ آن به نام خود عرضه می‌دارد، دقیقاً مرتکب همان کذبی شده است که روایات، آن را ناسازگار با ایمان و مستوجب هلاکت معنوی معرفی می‌کنند. بنابراین، حرمت این اقدام نه یک حکم تأسیسی، بلکه انطباق روشن یک قاعده قطعی فقهی بر مصداقی نوپدید است.

۲-۴. دلیل عقل

عقل، به عنوان یکی از ارکان چهارگانه استنباط در فقه امامیه، همواره نقش تعیین‌کننده‌ای در مواجهه با مسائل مستحدثه و نوظهور ایفا کرده است. مراد از دلیل عقل، همان قاعده ملازمه است که بیان می‌کند: «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع» (سبحانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۵؛ مشکینی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۰۸). استناد غیرواقعی تدوین یک مقاله به خود، در حالی که او مؤلف نیست، بلکه دیگری (هوش مصنوعی) موجد آن اثر است، کذب است و کذب از نظر عقل قبیح و مذموم است. طبق قاعده ملازمه، وقتی عقل قطعی حکم به قبح کذب می‌کند، شرع هم همین حکم را دارد و آن را حرام می‌داند. دلیل عقل چنانکه از جهت کذب بودن انتساب اثر تولید شده دیگری به خود، حکم به قبح می‌کند که نتیجه‌اش بر اساس ملازمه بین عقل و شرع، حرمت آن است، از جهت اختلال نظام هم همین حکم را دارد. هرگاه دیده شود عقلاً بما هم عقلاً، چیزی را به این دلیل که موجب حفظ نظام و بقای نوع است پسندیده و یا چیزی را به دلیل اختلال در نظام قبیح می‌دانند، ناگزیر شارع باید مطابق حکم عقلاً حکم کند؛ زیرا او خود از جمله عقلاً و در حقیقت رئیس عقلاً است (مرعشی‌شوستری، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۴۵). تعبیر این فقیه به «عقلاً بما هم عقلاً» گویای حکم قطعی عقل به حُسن حفظ



نظام است و عبارت «حفظ نظام و بقای نوع» متضمن بیان علت حکم عقل به حسن بودن چیزی است که نتیجه‌اش حفاظت از نظام و ابقای نوع خواهد بود و نیز متضمن بیان علت حکم عقل به قبح چیزی است که موجب اخلال در نظام می‌شود. این حکم قطعی عقلی به حسن و قبح، صغرای قیاس، و ملازمه بین حکم عقل و حکم شرع بر اساس قاعده ملازمه، کبرای استدلال است که مجموعاً تشکیل دهنده دلیل عقل هستند. در باب تطبیق مسئله از این زاویه بر حکم عقل باید گفت عقل قادر است به عنوان معیاری برای ارزیابی مشروعیت، اخلاقیات و پیامدهای اجتماعی عمل پژوهشگر، وارد صحنه شده و حکم فقهی قابل قبولی ارائه نماید. در همین راستا، باید گفت در حوزه علمی، هدف از پژوهش تنها تولید اثر به هر قیمت نیست، بلکه تحرک علمی، ارتقای دانش، گسترش علم و حفظ اعتبار علمی نیز از ضرورت‌های بنیادین آن به شمار می‌آیند. عقل، این ضرورت‌ها را به روشنی می‌شناسد و نشان می‌دهد که تولید محتوای علمی به کمک هوش مصنوعی، اگر بدون رعایت شفافیت، کنترل صحت و بازبینی علمی باشد، می‌تواند موجب رکود علمی، عدم گسترش صحیح علم و دانش، اختلال در فرایند صحیح تحقیق و غلطیدن در چرخه‌ای کاملاً نادرست که به تبع نتایج غلط و گمراه کننده را در پی خواهد داشت، شود و سبب ایجاد هرج و مرج در نظام زندگی شود. روشن است این اختلال نظام، خود، مفسده بزرگی است که عقل قطعی آن را قبیح می‌داند و وفق قاعده ملازمه، شرع هم حکم به حرمت آن می‌کند. به این ترتیب، عقل حکم می‌کند که استفاده از هوش مصنوعی باید به نحوی کنترل شده و همراه با رعایت اصول پژوهشگری صورت گیرد تا از هرگونه اختلال و هرج و مرج احتمالی در نظم و انضباط جامعه به طور عام، و در جامعه علمی به طور خاص جلوگیری شود.

در هر صورت، عقل سلیم که یکی از ارکان استنباط در فقه امامیه است، با درک رابطه علی میان پنهان‌کاری در انتساب علمی و پیامدهای ویرانگر آن نسبت به نظام علمی و فرایند تحقیق، به وضوح حکم به قبح چنین رفتاری می‌دهد. هنگامی که پژوهشگر اثر تولید شده توسط هوش مصنوعی را بدون تصریح به نام خود عرضه می‌کند، نه تنها مرتکب کذبی آشکار شده، بلکه با ایجاد خلل در نظام علمی، سبب هرج و مرج در نظام زندگی می‌شود و به ساختاری که خود بخشی از آن است، آسیب جدی می‌زند که این خود مفسده‌ای بسیار بزرگ و غیر قابل جبران است. با جریان قاعده

ملازمه، این حکم قطعی عقل، عین حکم شرع خواهد بود و حرمت شرعی استفاده جانشین محور از هوش مصنوعی را بدون نیاز به نص خاصی اثبات می‌کند. البته در این چارچوب، عقل نیز حکم می‌کند که محدود کردن یا منع کامل استفاده از هوش مصنوعی، بدون دلیل منطقی، موجب اتلاف منابع و کاهش بهره‌وری علمی خواهد شد و بنابراین، مشروعیت محدود و کنترل‌شده استفاده از هوش مصنوعی را تایید می‌کند.

۳-۴. قواعد فقهی

افزون بر ادله قرآنی، روائی و عقلی، می‌توان حکم استفاده از هوش مصنوعی به صورت جانشین محور در تولید محتوای علمی را بر اساس برخی قواعد عام فقهی نیز بررسی کرد. این قواعد که ناظر به تنظیم مسئولیت‌ها و منع فریب و اضرار در روابط اجتماعی‌اند، قابلیت انطباق بر مسائل مستحدثه را دارند. از آنجا که تولید اثر علمی مبتنی بر اعتماد و تعهد است، پنهان‌سازی نقش اساسی هوش مصنوعی می‌تواند ذیل عناوینی چون غرور، لاضرر و غش و تدلیس تحلیل شود.

۱-۳-۴. قاعده غرور

غرور در لغت به معنای فریب، خدعه، جهل و مواردی از این قبیل به کار رفته است (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص. ۹۲؛ مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۷، ص. ۲۰۷) و در اصطلاح هرگاه رفتاری از فردی سر بزند که سبب فریب خوردن دیگری شود و در پی آن، زیانی به شخص فریب خورده وارد آید، فرد فریب دهنده به استناد «قاعده غرور» ضامن جبران خسارت وارده خواهد بود. در این فرض، فریب دهنده «غار» و فردی که فریب خورده است «مغرور» نامیده می‌شود (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص. ۱۶۳). این قاعده، یک اصل عقلایی است که مورد تأیید و امضای شرع نیز قرار گرفته است. به این معنا که عقلای جامعه، شخص فریب‌دهنده را مسئول جبران خسارت می‌دانند و شرع نیز این حکم عقلایی را امضا و تأکید کرده است (موسوی‌بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص. ۲۷۱؛ مکارم‌شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۵، ص. ۱۵۰). فقیهان امامیه نیز با پذیرش مدلول قاعده، در خلال ابواب فقهی مطابق آن فتوا داده‌اند (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص. ۱۸۳؛ حسینی‌عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۳، ص. ۸۵۱).^۲ آنچه این قاعده را برای بحث حاضر کارآمد



می‌سازد، مبنایی است که بر مسئولیت‌پذیری در قبال فریب خوردگی دیگران دلالت دارد و این نکته در مسئله تولید محتوای علمی با کمک هوش مصنوعی نیز موضوعیت می‌یابد. توضیح آنکه در فضای علمی امروز، دانشجو یا پژوهشگری که از محتوای تولید شده توسط هوش مصنوعی استفاده می‌کند، اگر بدون تصریح به منبع یا بدون بازبینی و ارزیابی صحت مطالب، آن را به نام خود عرضه کند، مصداق روشنی از غار خواهد بود؛ زیرا او در مقام ارائه، اعتماد مخاطب را برمی‌انگیزد و به صورت ضمنی این پیام را القا می‌کند که آنچه نوشته یا بیان کرده، حاصل تلاش شخصی یا دست‌کم مبتنی بر منابع معتبر و روش تحقیق پذیرفته شده است. حال آنکه حقیقت امر چنین نیست و او با واگذاری بخش عمده‌ای از کار به هوش مصنوعی، محتوای خود را عرضه داشته است. در اینجا مخاطب، خواه استاد راهنما در پایان‌نامه باشد، خواه داور یک مقاله علمی یا خواننده یک متن پژوهشی، در مقام «مغرور» قرار می‌گیرد؛ زیرا با اعتماد به ظاهر امر، بر پایه این اثر علمی تصمیمی می‌گیرد، در حالی که در واقع چنین نیست. در همین راستا، قاعده غرور حکم می‌کند که هرگونه مسئله مترتب بر این اعتماد بر عهده غار باشد. به عنوان نمونه، اگر مثلاً استادی براساس رساله‌ای که به ظاهر پژوهش دانشجو می‌باشد، به او نمره قبولی دهد یا مقام علمی خاصی برای وی تثبیت گردد، اما بعد آشکار شود که بخش‌های اصلی پژوهش، بدون تحقیق جدی و صرفاً با کمک ابزارهای هوش مصنوعی تنظیم شده است، در واقع استاد یا نظام آموزشی مغرور واقع شده‌اند. یا اگر مقاله‌ای با چنین وضعی در مجله‌ای چاپ گردد و اعتبار علمی آن مجله زیر سؤال برود، مدیران و خوانندگان مغروراند و نویسنده غار به شمار می‌آید. به همین قیاس، اگر دانشجوی دیگری بخواهد بر مبنای این اثر، پژوهش تازه‌ای سامان دهد، ولی پس از مدتی آشکار گردد که مبانی آن غیر معتبر و مخدوش است، او نیز زیانی دیده که ناشی از غرور اولیه است و قاعده غرور باز مسئولیت را متوجه پدیدآورنده نخستین می‌سازد.

البته باید به این نکته توجه داشت که اگر نحوه استفاده از هوش مصنوعی شفاف‌سازی شود، عنوان غرور صدق نخواهد کرد. به بیان دیگر، صرف استفاده از هوش مصنوعی ممنوع نیست، بلکه پنهان‌سازی آن و وانمود کردن به تحقیق مستقل است که فریب و غرور به شمار می‌رود. چنانکه اگر پژوهشگری ابزار هوش مصنوعی



را در مرحله گردآوری داده یا نظم‌بخشی به مطالب به‌کار گیرد و صادقانه آن را گزارش دهد، نه تنها غروری رخ نمی‌دهد، بلکه کار او می‌تواند مصداق بهره‌برداری صحیح از ابزار نوین باشد. اما اگر از این ابزار به گونه‌ای استفاده کند که مخاطب را درباره میزان تلاش و صحت تحقیق به اشتباه اندازد، بی‌گمان مشمول قاعده غرور خواهد شد. بنابراین، به‌کارگیری هوش مصنوعی در تولید محتوای علمی هنگامی مشروع خواهد بود که همراه با شفافیت و پرهیز از فریب باشد. در غیر این صورت، مشمول قاعده غرور شده و علاوه بر منع اخلاقی، ضمان فقهی نیز بر آن مترتب خواهد بود.

قاعده غرور با نگاه مسئولیت‌آفرین خود، مرز روشنی بین بهره‌گیری مجاز و نامجاز از هوش مصنوعی ترسیم می‌کند. براساس این قاعده، پژوهشگری که با پنهان‌سازی نقش واقعی هوش مصنوعی، مخاطب را به اشتباه می‌اندازد، نه تنها مرتکب رفتاری غیراخلاقی شده، بلکه در قبال هرگونه زیان مادی و معنوی ناشی از این فریب، مسئول و ضامن خواهد بود. این ضمان، چه اعتماد استاد راهنما و داوران باشد، چه اعتبار علمی مجله یا دانشگاه، همگی آثاری هستند که بر عمل فریبکارانه بار می‌شوند. بنابراین، قاعده غرور با پشتوانه عقلایی و شرعی خود، استفاده شفاف و صادقانه از هوش مصنوعی را الزامی می‌کند و پنهان‌کاری را نه تنها ممنوع، بلکه مستوجب مسئولیت‌های جبران‌پذیر می‌داند.

۴-۳-۲. قاعده لاضرر

قاعده نفی ضرر از قواعد مهم فقهی است که نقش گسترده‌ای در استنباط احکام شرعی دارد. مطابق مدلول این قاعده در شریعت اسلام حکمی که سبب وارد آمدن ضرر بر دیگران گردد، جعل نشده است. بر این اساس، هر جا که از اجرای حکمی، مفسده یا زیانی قابل توجه به بار آید، قاعده لاضرر وارد شده و آن حکم را محدود می‌سازد. اعتبار این قاعده تا آنجاست که ادعا شده است که فقه دایر مدار پنج حدیث است و یکی از آن‌ها حدیث «لا ضرر و لا ضرار» است (حسینی سیستانی، ۱۴۱۴ق، ص. ۹). البته همان‌گونه که برخی از فقها گفته‌اند، بدون تردید، مفاد قاعده لاضرر، از اموری است که عقل به طور مستقل به آن حکم می‌کند و آیاتی از کتاب عزیز (قرآن) نیز بر آن گواهی می‌دهند (جعفری، ۱۴۱۹ق، ص. ۹۶؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص. ۲۸).



در باب تطبیق قاعده لاضرر بر فرض مسئله باید گفت، تولید محتوای علمی (اعم از کتاب، مقاله، پایان‌نامه، رساله و...) نه تنها امری فردی، بلکه مسئله‌ای تعهدآمیز نسبت به جامعه علمی و نهادهای آموزشی است و پژوهشگر متعهد می‌شود که محتوای تولید شده توسط وی، علمی، دقیق، قابل اتکا و معتبر باشد. بنابراین، هرگونه کوتاهی یا استفاده نامناسب از هوش مصنوعی می‌تواند ضرر مستقیم یا غیرمستقیم به جامعه علمی، دانشگاه، استاد راهنما و سایر پژوهشگران وارد کند. از باب مثال، انتشار آثار علمی غیراصیل موجب آسیب اعتماد عمومی می‌شود و از این رهگذر به دانشگاه و نظام آموزشی ایراد ضرر می‌نماید. همچنان که اگر اثر تولید شده مبتنی بر داده‌های نادرست یا تحلیل‌های غیرمعتبر باشد، سایر پژوهشگران را به اشتباه می‌اندازد و چرخه علمی را مختل می‌کند؛ بلکه هوش مصنوعی ممکن است به دلیل داده‌های نادرست یا سوگیری‌های نهفته، محتوای علمی ناصحیح یا گمراه‌کننده تولید کند و از رهگذر انتشار چنین محتوایی خاصه در حوزه‌های حساس مانند پزشکی، موجب گمراهی جامعه علمی و عموم مردم شود. بدیهی است که این امر مصداق واضح «ضرر» است؛ زیرا افزون بر آسیب به جان یا مال افراد، باعث کاهش اعتماد و اعتبار علمی، اختلال در فرآیند دآوری و در نتیجه، به بارآمدن زیان‌های معنوی و اعتباری می‌شود؛ زیرا زمانی که کشف خلاف شود و معلوم گردد که تحقیق منتشر شده، محصول تلاش علمی خود نویسنده نبوده و همه و یا غالب آن از ناحیه هوش مصنوعی بوده است، آن مقاله نه برای نویسنده و نه برای دانشگاه یا مؤسسه پژوهشی ذریبط ارزش علمی ندارد و نه تنها تاثیری در ارتقای رتبه علمی شخص و بهبود رنکینگ دانشگاه و مؤسسه نخواهد داشت، بلکه سبب می‌شود که در لیست سیاه قرار بگیرند و از این جهت آسیب ببینند. در چنین شرایطی، براساس قاعده لاضرر، هر اقدامی که منجر به چنین آثار مخربی شود، از نظر فقهی ممنوع تلقی می‌شود. به عبارت دیگر، استفاده از هوش مصنوعی بدین گونه که یک نتیجه نادرست حاصل از هوش مصنوعی را به عنوان نتیجه صحیح علمی ابراز و اعلام کند، موجب ضرر خواهد شد؛ بنابراین، مشمول قاعده لاضرر می‌شود.

۳-۳-۴. غش و تدلیس

غش در لغت ضد «نصح» و به معنای نوشیدنی کدر یا ناخالص است: «الغشُ: ضدُّ النَّصْح، مِنَ الْغَشَّشِ، وَ هُوَ الْمَشْرَبُ الْكَدْرُ» (ابن اثیر، بی تا، ج ۳، ص ۳۶۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۶۱۵). همچنین گفته شده است که این واژه دلالت بر این دارد که شخص خلاف آنچه در باطن دارد را نشان دهد و از روی خدعه، چیزی را برخلاف حقیقت آن تزئین نماید (مشکینی، ۱۴۱۹ق، ص ۳۹۱). تدلیس نیز در بسیاری از موارد مترادف با غش در متون فقهی به کار رفته است: «الغش و التدلیس فی البیع بمعنی واحد» (عبدالمنعم، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۵).

غش در کلمات فقها در همان معنای لغوی و عرفی آن به کار می‌رود و معمولاً در موقعیت‌هایی تحقق می‌یابد که فروشنده بخواهد واقعیت چیزی را متفاوت از آنچه هست نشان دهد؛ مانند پاشیدن آب بر سبزیجات کهنه برای تازه جلوه دادن آن‌ها یا عدم اعلام عیب کالا به خریدار (هاشمی‌شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ج ۵، ص ۵۸۳). فقهای امامیه غش را براساس روایات متعدد، امری حرام دانسته‌اند: «الغش و التدلیس محرمان» (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۱۴۲؛ شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۸۰). این حکم افزون بر دلایل نقلی از قبیل روایت نبوی: «لَيْسَ مَنَّا مَنْ غَشَّنَا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۶۰؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۱۲)، مستظهر به عدم خلاف، بلکه اجماع منقول و محصل نیز شده است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص ۱۱۱). بنابراین، به دلیل نهی شدید از هرگونه فریب در معامله یا روابط اجتماعی، فقها قاعده‌ای کلی استخراج کرده‌اند که در همه ابواب فقه جاری می‌شود؛ بنابراین، گفته شده است که هرگونه غشی که موجب از بین رفتن حق مسلمانی شود، مانند غش در نکاح یا بیع یا اجاره حرام است (مکارم‌شیرازی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۴۴).

در همین راستا و از حیث تطبیق غش و تدلیس بر فرض مسئله باید گفت، در فرآیند تولید علمی، یک قرارداد نانوشته میان پژوهشگر و دانشگاه یا جامعه علمی وجود دارد و آن اینکه پژوهشگر باید محصول نهایی را به عنوان نتیجه کوشش، اندیشه و تحقیق خویش ارائه دهد و هرگاه او برخلاف این انتظار، اثری را عرضه کند که در واقع ساخته و پرداخته دیگری است، دچار غش شده است. توضیح آنکه استفاده از هوش مصنوعی در صورتی که به‌طور کامل بار پژوهش را بر دوش آن بگذارد و



پژوهشگر تنها نقش ویراستار یا ارائه‌دهنده داشته باشد، دقیقاً مصداق غش است؛ زیرا ظاهر اثر نشان می‌دهد که پژوهشگر به تحقیق و نگارش علمی دست زده است، اما حقیقت اثر آن است که متن توسط ماشین تولید شده و سهم واقعی پژوهشگر بسیار اندک است. همچنین مخاطب (استاد، داور و دانشگاه) براساس ظاهر قضاوت می‌کند و به اشتباه می‌افتد و این همان فریب و تدلیس است که در روایات نهی شده است. البته باید توجه داشت حکم مزبور در پی آن نیست که هرگونه استفاده از ابزار یا کمک دیگران را ممنوع کند، بلکه موضوع آن فریب دادن مخاطب است. از این رو، می‌توان میان دو حالت تمایز گذاشت: (۱) استفاده ابزاری (مجاز): اگر پژوهشگر یا دانشجو در فرآیند پژوهش، مثلاً از هوش مصنوعی برای اصلاح نگارش، پیشنهاد واژگان یا تحلیل اولیه داده‌ها استفاده کند، ولی نقش اصلی پژوهش همچنان بر عهده خودش باشد، این استفاده، غش و تدلیس محسوب نمی‌شود؛ زیرا حقیقت اثر همان تلاش پژوهشگر است و هوش مصنوعی صرفاً در حکم ابزاری کمکی است. (۲) استفاده جانشین (غیرمجاز/حرام): اگر پژوهشگر، بخش عمده و بار اصلی نگارش و تدوین را به وسیله هوش مصنوعی تولید کند و آن را به نام خود عرضه کند، این فریب آشکار است؛ زیرا حقیقت اثر با ظاهر ارائه شده تطابق ندارد. در این حالت، حکم غش جاری شده و عمل را حرام می‌سازد.

با توجه به مراتب مزبور استناد به حرمت غش و تدلیس در این زمینه چند نتیجه مهم دارد: (۱) حرمت تکلیفی: انتساب نگارش کتاب یا پایان‌نامه یا مقاله که توسط هوش مصنوعی انجام گرفته، به خود، از نظر شرع حرام است. (۲) بطلان وضعی: همان‌گونه که معامله غش‌آلود باطل است، مدرک یا امتیاز علمی حاصل از چنین پژوهشی نیز فاقد مشروعیت است؛ زیرا تحقق اثر و قابلیت بهره‌برداری در ارتقا و کسب منافع مادی مشروط به تلاش خود فرد است. (۳) ضمان و مسئولیت: اگر به واسطه این فریب خسارتی متوجه دانشگاه یا نظام علمی شود (مانند سقوط اعتبار علمی یا تضییع بودجه پژوهشی)، پژوهشگر ضامن خواهد بود.

البته ممکن است گفته شود از آنجا که هوش مصنوعی مالکیتی ندارد، پس انتساب اثر آن به خود اشکالی ندارد. در پاسخ باید گفت موضوع غش ناظر به مالکیت و تضییع حق مالک نیست، بلکه به فریب دادن مخاطب برمی‌گردد. حتی اگر هوش مصنوعی حق

مالکیت نداشته باشد، پژوهشگر حق ندارد چیزی را که محصول خودش نیست، به نام خود عرضه کند. بنابراین، در جمع‌بندی مطلب می‌توان گفت، حرمت غش و تدلیس در شریعت به صراحت دلالت دارد که هرگونه فریب و تقلب در عرصه علمی، از جمله ارائه کتاب، پایان‌نامه، رساله یا مقاله‌ای که توسط هوش مصنوعی تولید شده و به نام پژوهشگر معرفی می‌گردد، حرام است. البته تمایز میان استفاده ابزاری (مجاز) و جانشین (حرام) در مسئله ضرورت دارد.

قاعده غش و تدلیس با صراحت هرگونه فریب در روابط اجتماعی را محکوم کرده و آن را از دایره ایمان خارج می‌داند. در عرصه تولید علم، زمانی که پژوهشگر اثر تولید شده توسط هوش مصنوعی را بدون ذکر منبع به نام خود عرضه می‌کند، دقیقاً مرتکب همان رفتاری می‌شود که روایت نبوی «لَيْسَ مِنَّا مَنْ غَشَّنَا» آن را نکوهش کرده است. این اقدام، مصداق بارز فریب مخاطب و ارائه کالای ناخالص (غش) در لباس اثر اصیل علمی است. بنابراین، تمایز میان استفاده ابزاری (مجاز) و جانشینی (حرام) در این قاعده به روشنی تبیین می‌شود؛ آنجاکه هوش مصنوعی جایگزین اندیشه و تلاش پژوهشگر می‌شود و این حقیقت پنهان می‌ماند، عمل مشمول حرمت غش گشته و علاوه بر حکم تکلیفی، بطلان وضعی مترتب بر آن و مسئولیت جبران خسارت‌های احتمالی را نیز در پی خواهد داشت.

۵. حق معنوی و حق التألیف در کاربری هوش مصنوعی در تولید محتوای علمی

در خصوص وجود مالکیت معنوی، فقهای امامیه دو دیدگاه دارند؛ برخی همانند امام خمینی به چنین حقی قائل نیستند؛ در مقابل، بیشتر فقها و همچنین حقوقدانان معتقد به این نوع مالکیت هستند. براساس دیدگاه دوم، چنانکه گفته شده، حق معنوی یا حق تألیف، یکی از اقسام حقوق مالکیت فکری است که به خالق اثر تعلق می‌گیرد و شامل دو عنصر اصلی «حق انتساب اثر به خالق آن» و «حق حرمت اثر» می‌شود. در نظام‌های حقوقی معاصر، این حق حتی پس از انتقال مالکیت مادی اثر نیز برای پدیدآورنده محفوظ می‌ماند (کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری، ماده ۶). بر این اساس، در مسئله استفاده از هوش مصنوعی، دو حالت قابل تصور است:



الف- کارکرد ابزاری: در این حالت، پژوهشگر از هوش مصنوعی صرفاً به عنوان یک ابزار کمکی مانند ویرایشگر متن، پیشنهاد دهنده ساختار یا ترجمه ماشینی استفاده می‌کند. تمام مراحل اساسی تولید محتوا شامل: مفهوم‌پردازی، طراحی مسئله، گردآوری و ارزیابی منابع، استدلال‌پردازی، نتیجه‌گیری نهایی و داوری علمی همچنان بر عهده پژوهشگر است. هوش مصنوعی هیچ‌گاه نقش تصمیم گیرنده یا خالق اصلی محتوا را ندارد. در این صورت، حق معنوی تألیف با خود پژوهشگر است؛ زیرا ساختار اصلی، تحلیل و اندیشه از آن اوست.

ب- کارکرد جانشینی: در این حالت، پژوهشگر نقش اصلی در فرآیند تحقیق و نگارش را به هوش مصنوعی واگذار می‌کند. هوش مصنوعی به تنهایی یا با حداقل مداخله انسانی، اقدام به تولید متن اصلی، تحلیل داده‌ها، ارائه استدلال‌ها و حتی نتیجه‌گیری می‌کند. پژوهشگر تنها نقش ارائه‌دهنده و منتشرکننده اثر را بر عهده دارد بدون آنکه منشأ ماشینی آن را آشکار سازد. در اینجا، اثر عملاً محصول الگوریتم‌ها و داده‌های آموزش دیده است، نه حاصل اندیشه و تلاش پژوهشگر. بدیهی است که بنا بر این فرض، نه پژوهشگر نسبت به اثر تولید شده، مالکیت معنوی دارد؛ زیرا عملاً نقشی در تحلیل، استدلال و تولید محتوا نداشته است و نه می‌توان برای هوش مصنوعی یا سازنده آن «حق معنوی» قائل شد؛ زیرا هوش مصنوعی فاقد اهلیت استیفای حق شرعی است و سازنده الگوریتم نیز تنها ابزار را ساخته و محتوای خاصی را تولید نکرده است.

۶. الزامات تقنینی در بهره‌گیری از هوش مصنوعی

باید گفت اگرچه تمرکز این پژوهش بر تحلیل فقهی مسئله استفاده از هوش مصنوعی در تولید محتوای علمی بوده است، اما تبیین حکم شرعی به تنهایی برای ساماندهی به یک پدیده نوظهور اجتماعی کافی نیست. فقه اسلامی، به ویژه در سنت امامیه، همواره بر ارتباط تنگاتنگ با عرصه‌های اجتماعی و حکمرانی تأکید داشته است (مکارم‌شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص. ۲۸) و احکام شرعی زمانی می‌توانند به‌طور کامل در جامعه تحقق یابند که در قالب ساختارهای اجرایی مناسب، عینیت یابند. از این رو، باید تلاش شود پیوند میان یافته‌های فقهی با الزامات تقنینی و سیاست‌گذاری در حوزه هوش مصنوعی ترسیم گردد. از این حیث، باید اذعان کرد سرعت خیره‌کننده تحولات فناورانه، به‌ویژه

در عرصه هوش مصنوعی، فرصت تأمل و تدوین چارچوب‌های متناسب را با دشواری همراه نموده است. در چنین شرایطی، نهادهای سیاست‌گذار و قانون‌گذار با خلأهای نظری و عملی متعددی مواجه‌اند. بنابراین، صرف اعلام حکم شرعی مبنی بر عدم جواز استفاده جانشین‌محور از هوش مصنوعی، اگرچه گامی اساسی است، اما برای پیشگیری از وقوع این پدیده و مدیریت تبعات آن کافی نیست. بنابراین، آنچه ضرورت می‌یابد، تدوین یک نظام جامع سیاست‌گذاری است که بتواند ضمن بهره‌گیری از ظرفیت‌های این فناوری، از آسیب‌های احتمالی آن بر پیکره علم و اخلاق علمی جلوگیری کند.

به نظر می‌رسد مطابق استقرا، این نظام سیاست‌گذاری باید در سه سطح کلان (قانون‌گذاری)، میانی (آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های اجرایی) و خرد (راهنماهای اخلاقی برای پژوهشگران و مؤسسات) طراحی و عملیاتی شود (هاشمی‌شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ج ۵، ص. ۵۸۳).

چنانچه که گذشت، مهمترین دستاورد این پژوهش، تأکید بر اصل شفافیت و صداقت در انتساب به عنوان معیار اساسی مشروعیت استفاده از هوش مصنوعی در تولید محتوای علمی بود. این معیار فقهی می‌تواند و باید به زبان حقوقی ترجمه شده و در قالب الزامات قانونی ظهور یابد. در همین راستا، با اتکا به مبانی فقهی مستحکم (از جمله قاعده لاضرر، قاعده غرور و حرمت غش و تدلیس)، می‌توان الزامات حقوقی زیر را برای نهادهای قانون‌گذار و سیاست‌گذار پیشنهاد داد: نخست، الزام به افشا؛ بدین معنا که قانون‌گذار باید پژوهشگران و نویسندگان را مکلف سازد در ابتدای هر اثر علمی (کتاب، مقاله، پایان‌نامه و...) هرگونه استفاده قابل توجه از ابزارهای هوش مصنوعی در فرآیند تولید آن اثر را به طور صریح و شفاف اعلام کنند. این افشاگری باید شامل نوع ابزار، میزان مشارکت و بخش‌هایی از اثر که با کمک هوش مصنوعی تولید شده‌اند، باشد. دوم، پیش‌بینی ضمانت‌اجراهای حقوقی؛ زیرا صرف الزام به افشا بدون پیش‌بینی ضمانت‌اجراهای مؤثر، نمی‌تواند بازدارنده باشد. بنابراین، لازم است برای تخلف از این الزام، ضمانت‌اجراهای متناسب و حتی در موارد خسارت‌بار، مسئولیت مدنی و الزام به جبران خسارت پیش‌بینی شود. سوم، مسئولیت نهادهای علمی؛ بدین معنا که دانشگاه‌ها، مجلات علمی و مؤسسات پژوهشی نیز مسئولیت دارند با تدوین آیین‌نامه‌ها



و دستورالعمل‌های شفاف، انتظارات خود را از پژوهشگران در قبال استفاده از هوش مصنوعی مشخص کنند. این آیین‌نامه‌ها باید مرز میان کمک مجاز و تقلب علمی را روشن ساخته و فرآیندهای داوری و ارزیابی را نیز متناسب با این فناوری‌ها به‌روزرسانی نمایند.

ناگفته نماند یکی از ابعاد مغفول در بحث هوش مصنوعی و تولید محتوای علمی، مسئله داده است. سیستم‌های هوش مصنوعی بر پایه داده‌های عظیمی آموزش می‌بینند که ممکن است دارای سوگیری‌های نژادی، جنسیتی، فرهنگی یا حتی علمی باشند. از منظر فقهی، استناد به داده‌های نامعتبر و انتشار نتایج حاصل از آنها، ذیل قاعده «لاضرر» و «حرمت غش»، عملی ممنوع محسوب می‌شود. بنابراین، در سطح سیاست‌گذاری، لازم است الزاماتی برای حکمرانی داده در حوزه علمی تدوین گردد. این الزامات می‌تواند شامل تعیین معیارهایی برای اعتبارسنجی داده‌های مورد استفاده در آموزش مدل‌های هوش مصنوعی، الزام به مستندسازی منابع داده‌ها و ایجاد مکانیزم‌های نظارت بر کیفیت داده‌ها باشد.

بدیهی است که اهمیت مطالب فوق از آن جهت است که پیچیدگی و چندوجهی بودن مسائل مستحدثه‌ای همچون هوش مصنوعی، نشان می‌دهد که هیچ‌یک از حوزه‌های فقه، حقوق یا اخلاق به تنهایی قادر به پوشش تمام ابعاد آن نیستند و آنچه مورد نیاز است، ایجاد نهادهای تخصصی مشورتی متشکل از فقیهان، حقوقدانان، متخصصان علوم کامپیوتر و دانشمندان علوم شناختی است تا بتوانند با نگاهی میان‌رشته‌ای، به تحلیل دقیق این پدیده‌ها پرداخته و برای سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران خروجی‌های کاربردی و عملیاتی تولید کنند. این نهادها می‌توانند با انجام پژوهش‌های راهبردی و تدوین نظریه‌پردازی فقهی-حقوقی متناسب با تحولات فناورانه، این فرآیند ضروری و بسیار مهم را تحقق بخشند.

در مجموع باید گفت، پدیده هوش مصنوعی و چالش‌های آن برای تولید محتوای علمی، نیازمند یک واکنش زنجیره‌ای و نظام‌مند است. در رأس این زنجیره، فقه با ارائه حکم شرعی (حرمت استفاده جانشین‌محور و جواز استفاده ابزاری مشروط به شفافیت) ایفای نقش می‌کند. در حلقه بعدی، حقوق با ترجمه این احکام به زبان الزامات قانونی و پیش‌بینی ضمانت اجراها، عینیت و ضمانت اجرایی بدان می‌بخشد. در حلقه نهایی

نیز، سیاست‌گذاری و حکمرانی، با طراحی ساختارها، فرآیندها و نهادهای مناسب، زمینه تحقق عملی این هنجارها را در جامعه علمی فراهم می‌آورد. بی‌تردید، هرگونه غفلت در هر یک از این حلقه‌ها، زنجیره را گسسته و جامعه علمی را در برابر آسیب‌های جدی این فناوری نوظهور دچار آسیب خواهد نمود.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین حکم شرعی استفاده از هوش مصنوعی در تولید محتوای علمی، با روشی توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع معتبر فقهی انجام شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که مواجهه فقهی با این پدیده نوظهور، نیازمند تفکیک دقیق میان دوگونه استفاده «ابزاری» و «جانشینی» است. در کارکرد ابزاری، هوش مصنوعی در نقش یک ابزار کمکی برای تسریع، دقت‌بخشی و بهبود فرآیند پژوهش به کار می‌رود و پژوهشگر مسئولیت اصلی و نظارت عالیه را بر عهده دارد. این شکل از استفاده، به خودی خود فاقد اشکال شرعی است و حتی می‌تواند مصداقی از بهره‌وری ابزارهای نوین در خدمت پیشبرد علم باشد. افزون بر جواز استفاده ابزاری از هوش مصنوعی، مطابق دیدگاه قائلان به مالکیت معنوی، نویسنده انسانی اثر تولید شده، حق معنوی دارد. در مقابل، کارکرد جانشینی، که در آن هوش مصنوعی جایگزین نقش محوری پژوهشگر در خلق ایده، استدلال‌پردازی، تحلیل و نگارش می‌شود و اثر تولید شده بدون ذکر صریح منشأ ماشینی به نام شخص عرضه می‌گردد، از نظر شرعی، ممنوع و حرام تلقی می‌گردد. چنین برداشتی با استناد به آیاتی از کتاب (مانند آیات ناهی از کتمان حق، کذب و نقض امانت)، سنت (روایات شدیداللعن در حرمت کذب) و همچنین تطبیق قواعد فقهی کلیدی تبیین گردید. از جمله، قاعده حرمت غش و تدلیس که انتساب اثر تولید شده توسط هوش مصنوعی به خود را، مصداق روشن کذب علمی و غش در انتقال محتوا قلمداد می‌نماید. افزون بر این، ارائه اثر مبتنی بر هوش مصنوعی به عنوان اثر انسانی، موجب فریب مخاطب شده و مصداق قاعده غرور تلقی می‌شود که فریب‌دهنده را ضامن می‌داند. همچنین مطابق قاعده لاضرر استفاده غیرشفاف از هوش مصنوعی موجب اضرار به نظام علمی، اتلاف منابع و تضییع حقوق ذی‌نفعان می‌شود. علاوه بر این، دلیل عقل با توجه به پیامدهای مخرب چنین عملی نسبت به اعتماد



علمی و مختل شدن نظام زندگی، براساس قانون ملازمه بر حرمت آن صحه می‌گذارد و این اقدام را مصداق بارز نقض امانت علمی، سلب اعتماد عمومی به تولیدات علمی، تضییع حقوق جامعه علمی در دریافت اثر اصیل انسانی و نیز حق استناد کنندگان به آن اثر در تصمیمات علمی یا اجرایی، قلمداد می‌نماید و پیامدهای زیان‌باری همچون تضعیف اعتبار نهادهای آموزشی، گمراهی دیگر پژوهشگران، انحراف در مسیر گسترش علم و در نهایت، اضرار به نظام علم را در پی دارد.

در نهایت باید گفت، تولید محتوا با شرایط مزبور، افزون بر اینکه از نظر فقهی، حرمت تکلیفی خواهد داشت، از نظر وضعی نیز خسارت‌های غیر قابل جبران مادی و معنوی؛ از جمله رکود علمی، جلوگیری از ارتقا و گسترش علم و دانش و حل نشدن مشکلات ریز و درشت جامعه می‌شود. راهکار شرعی رفع این حرمت و جلوگیری از وقوع این نوع خسارت‌های مادی و معنوی نیز، شفافیت کامل و اعلام صریح میزان و نحوه استفاده از هوش مصنوعی در تولید محتوا است تا مخاطب بتواند با آگاهی کامل، نسبت به اثر قضاوت نماید و دانش و پژوهش در چرخه و دور باطل و مضر تولید محتوای علمی توسط هوش مصنوعی قرار نگیرد.

یادداشت‌ها

۱. لغویان هم امانت را امری در مقابل و مخالف خیانت معنا کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸، ص. ۸۸؛ صاحب‌ابن‌عباد، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص. ۴۱۳).
۲. ناگفته نماند که غش و غرر هرچند در ظاهر نزدیک به هم‌اند، اما از منظر فقهی دو عنوان متمایز به شمار می‌آیند. تحقق غش در تمام مصادیق آن، وابسته به آگاهی فروشنده از وجود غش و ناآگاهی خریدار از آن است. بنابراین، اگر هر دو طرف نسبت به آن آگاه باشند، یا فروشنده بی‌اطلاع و خریدار مطلع باشد، عنوان غش صدق نمی‌کند. همچنین در مواردی که آمیختگی دو کالا آشکار و قابل تشخیص باشد، به‌گونه‌ای که برای شناخت آن نیاز به دقت ویژه نباشد، غش محقق نخواهد شد (حسینی‌روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص. ۱۵۰؛ طباطبایی‌قمی، ۱۴۲۶ق، ج ۷، ص. ۲۷۴). اما در مقابل، در تبیین ارکان غرور، سخن از فریب دیگری نیست، بلکه چنین بیان شده است که «اگر از فردی عملی سر بزنند که موجب فریب خوردن دیگری شود». بنابراین، لازم نیست فرد

قصد فریب داشته باشد و حتی ممکن است خود او نیز از فرد دیگری فریب خورده باشد؛ بنابراین، همین مقدار که عملی از وی صادر گردد و در نتیجه آن، دیگری دچار فریب گردد، برای تحقق غرور کافی است (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص. ۱۶۴).

کتابنامه

- ۱) قرآن کریم.
- ۲) نهج البلاغه.
- ۳) کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری.
- ۴) ابن اثیر، مبارک بن محمد (بی تا). *النهایه فی غریب الحدیث و الاثر*. قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ۵) ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع.
- ۶) انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵ق). *کتاب المکاسب*. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- ۷) تخشید، زهرا (۱۴۰۰). مقدمه‌ای بر چالش‌های هوش مصنوعی در حوزه مسئولیت مدنی. نشریه حقوق خصوصی، ۱۸(۱)، ۲۲۶-۲۵۰.
- ۸) تشکری صالح، ابوذر، رجبی، محمود (۱۳۹۷). بررسی توان رقابت هوش مصنوعی با ذهن انسان از منظر قرآن. *قرآن‌شناخت*، ۲۱(۲)، ۵-۲۰.
- ۹) جعفری، محمدتقی (۱۴۱۹ق). *رسائل فقهی*. تهران: مؤسسه منشورات کرام.
- ۱۰) جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق). *الصحاح*. بیروت: دار العلم للملایین.
- ۱۱) حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعہ*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- ۱۲) حسینی روحانی، صادق (۱۴۱۲ق). *فقه الصادق علیه السلام*. قم: دارالکتاب - مدرسه امام صادق علیه السلام.
- ۱۳) حسینی سیستانی، سیدعلی (۱۴۱۴ق). *قاعده لا ضرر و لا ضرار*. قم: دفتر آیت الله سیستانی.
- ۱۴) حسینی عاملی، سید جواد بن محمد (۱۴۱۹ق). *مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه*. قم: جامعه مدرسین.
- ۱۵) خمینی، سید روح الله (۱۴۱۵ق). *المکاسب المحرمه*. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.



- ۱۶) خوئی، سید ابوالقاسم (بی تا). مصباح الفقاهه. بی جا: بی نا.
- ۱۷) راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن. لبنان: دارالعلم.
- ۱۸) راوندی، قطب الدین سعید بن عبدالله (۱۴۰۵ق). فقه القرآن. قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ۱۹) زحیلی، وهبه (۱۴۱۹ق). الوجیز فی اصول الفقه. بیروت: دارالفکر المعاصر.
- ۲۰) سبحانی، جعفر (۱۴۱۵ق). الرسائل الأربع. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- ۲۱) شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۷ق). الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة. قم: جامعه مدرسین.
- ۲۲) شیرازی، میرزا محمد تقی (۱۴۱۲ق). حاشیه المکاسب. قم: منشورات شریف رضی.
- ۲۳) صاحب ابن عباد، ابوالقاسم اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق). المحيط فی اللغة. بیروت: عالم الكتاب.
- ۲۴) صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- ۲۵) صدر، محمد باقر، ایروانی، باقر (۲۰۰۷م). الحاققه الثالثه فی أسلوبها الثانی. قم: محبین.
- ۲۶) طباطبایی، سیده فاطمه، بینش به نیا، الهه (۱۴۰۱). حکم تکلیفی به کارگیری هوش مصنوعی به عنوان قاضی از منظر فقه امامیه. فصلنامه حقوق اسلامی، ۱۹(۴)، ۶۹-۹۲.
- ۲۷) طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۳). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: اسماعیلیان.
- ۲۸) طباطبایی قمی، تقی (۱۴۲۶ق). مبانی منهاج الصالحین. قم: منشورات قلم الشرق.
- ۲۹) طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۴۰۸ق). مجمع البیان. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- ۳۰) طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۱) عبدالمنعم، محمود عبدالرحمان (۱۴۱۹ق). معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیة. قاهره: دارالفضیلة.
- ۳۲) علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق). تذکره الفقهاء. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- ۳۳) علی محمدی، طاهر، اولیائی، احمد (۱۳۹۵). نگاهی نو به دیدگاه امام خمینی در باره مالکیت معنوی. مجله دانش حقوق مدنی، ۵(۲)، ۴۰-۴۸.
- ۳۴) فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر (جلدهای ۳ و ۲۰ و ۲۳). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۳۵) فراهیدی، خلیل ابن احمد (۱۴۱۰ق). کتاب العین. قم: نشر هجرت.

- (۳۶) قرشی، علی اکبر (۱۴۱۲ق). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- (۳۷) قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵ق). الجامع لأحكام القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- (۳۸) کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- (۳۹) کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- (۴۰) محقق داماد، مصطفی (۱۴۰۶ق). قواعد فقه. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- (۴۱) محمدیان امیری، مهدی، ایزدی فرد، علی اکبر (۱۴۰۲). بررسی فقهی حکم آموزش کسب و کار با عامل هوش مصنوعی. پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، ۱۹ (۷۲)، ۲۶۲-۲۸۵.
- (۴۲) مرعشی شوشتری، سید محمد حسن (۱۴۲۷ق). دیدگاه های نو در حقوق. تهران: نشر میزان.
- (۴۳) مشکینی، میرزا علی (۱۴۱۶ق). اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها. قم: نشر الهادی.
- (۴۴) مشکینی، میرزا علی (۱۴۱۹ق). مصطلحات الفقه و معظم عناوین الموضوعیه. قم: نشر الهادی.
- (۴۵) مصطفوی، حسن (۱۴۰۲ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: مرکز کتاب.
- (۴۶) مصطفوی، محمد کاظم (۱۴۲۱ق). مائتة قاعدة فقهیه. قم: جامعه مدرسین.
- (۴۷) مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ق). کتاب النکاح. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- (۴۸) مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- (۴۹) مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ق). القواعد الفقهیه. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- (۵۰) مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۶ق). أنوار الفقاهة: کتاب التجارة. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- (۵۱) موسوی بجنوردی، حسن (۱۴۱۹ق). القواعد الفقهیه. قم: نشر الهادی.
- (۵۲) نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- (۵۳) نراقی، ملا احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۷ق). عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

- (۵۴) نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بیروت: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- (۵۵) هاشمی‌شاهرودی، سید محمود و جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۶ق). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل‌بیت علیهم‌السلام. قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی.

References:

- 1) *The Holy Qur'an* [In Arabic].
- 2) *Nahj al-Balagha* [In Arabic].
- 3) *Bern Convention for the Protection of Literary and Artistic Works* (1886).
- 4) Abd al-Munim, M. A. R. (1998). *Mu'jam al Mustalahat wa al Alfaz al Fiqhiyyah*. Cairo: Dar al-Fadilah [In Arabic].
- 5) Ali Mohammadi, T., & Oliaei, A. (2016). A new look at Imam Khomeini's view on intellectual property. *Civil Law Knowledge Journal*, 5(2), 40–48 [In Persian].
- 6) Allamah al-Hilli, H. b. Y. (1993). *Tadhkirat al Fuqaha'*. Qom: Al al-Bayt Institute [In Arabic].
- 7) Ansari, M. b. M. A. (1994). *Kitab al Makasib*. Qom: World Congress for the Commemoration of Shaykh al-A'zam al-Ansari [In Arabic].
- 8) Chen, L., Chen, P., & Lin, Z. (2024). *Artificial intelligence in education: A review*. *IEEE Access*.
- 9) Fakhr Razi, M. b. U. (1999). *Al Tafsir al Kabir*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi [In Arabic].
- 10) Farahidi, K. I. A. (1990). *Kitab al Ayn*. Qom: Hijrat Publications [In Arabic].
- 11) Hashemi-Shahrudi, S. M. (2005). *Farhang-e Fiqh (Jurisprudential culture) according to the school of Ahl al-Bayt*. Qom: Islamic Jurisprudence Encyclopedia Institute [In Persian].
- 12) Hurr al-Amili, M. b. H. (1989). *Wasa'il al-Shia*. Qom: Al al-Bayt Institute [In Arabic].
- 13) Husayni-Amili, S. J. b. M. (1998). *Miftah al Karamah fi Sharh Qawa'id al Allamah*. Qom: Jami'at al-Mudarrisin [In Arabic].
- 14) Husayni-Ruhani, S. (1992). *Fiqh al Sadiq*. Qom: Dar al-Kitab - Imam Sadiq School [In Arabic].
- 15) Husayni-Sistani, S. A. (1993). *Qa'idat La Darar wa La Dirar*. Qom: Office of Ayatollah Sistani [In Arabic].
- 16) Ibn Athir, M. M. (n.d.). *Al Nihayah fi Gharib al Hadith wa al Athar*. Qom: Ismailiyan Press [In Arabic].
- 17) Ibn Manzur, M. M. (1993). *Lisan al Arab*. Beirut: Dar al-Fikr [In Arabic].
- 18) Jafari, M. T. (1998). *Rasa'il Fiqhiyyah*. Tehran: Manshurat-e Karam Institute [In Arabic].
- 19) Johari, I. b. H. (1990). *Al Sihah*. Beirut: Dar al-Ilm li al-Malayin [In Arabic].

- 20) Karaki, A. b. H. (1993). *Jami' al Maqasid fi Sharh al Qawa'id*. Qom: Al al-Bayt Institute [In Arabic].
- 21) Khoei, A. (n.d.). *Misbah al Faqahah*. [Place unknown]: [Publisher unknown] [In Arabic].
- 22) Khomeini, R. (1994). *Al Makasib al Muharramah*. Qom: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works [In Arabic].
- 23) Kulayni, M. b. Y. (1987). *Al Kafi*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah [In Arabic].
- 24) Makarem-Shirazi, N. (1995). *Tafsir Nemouneh*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah [In Persian].
- 25) Makarem-Shirazi, N. (1991). *Al Qawa'id al Fiqhiyyah*. Qom: Imam Ali ibn Abi Talib School [In Arabic].
- 26) Makarem-Shirazi, N. (2003). *Kitab al Nikah*. Qom: Imam Ali ibn Abi Talib School [In Arabic].
- 27) Makarem-Shirazi, N. (2005). *Anwar al Fiqahah: Kitab al Tijarah*. Qom: Imam Ali ibn Abi Talib School [In Arabic].
- 28) Marashi-Shushtari, S. M. H. (2006). *New views in law*. Tehran: Mizan Publishing [In Persian].
- 29) Meshkin, A. (1995). *Istilahat al Usul wa Mu'zam Abhathiha*. Qom: Al-Hadi Publications [In Arabic].
- 30) Meshkin, A. (1998). *Mustalahat al Fiqh wa Mu'zam Anawiniha al Mawdu'iyah*. Qom: Al-Hadi Publications [In Arabic].
- 31) Mohammadian-Amiri, M., & Izadi-Fard, A. A. (2023). A jurisprudential study of the ruling on teaching business through artificial intelligence agent. *Islamic Jurisprudence and Law Research*, 19(72), 262–285 [In Persian].
- 32) Mostafavi, H. (1982). *Al Tahqiq fi Kalimat al Quran al Karim*. Tehran: Markaz al-Kitab [In Arabic].
- 33) Mostafavi, M. K. (2000). *Mi'at Qa'idah Fiqhiyyah*. Qom: Jami'at al-Mudarrisin [In Arabic].
- 34) Mousavi-Bojnourdi, H. (1998). *Al Qawa'id al Fiqhiyyah*. Qom: Al-Hadi Publications [In Arabic].
- 35) Muhaqqiq Damad, M. (1986). *Qawa'id Fiqh*. Tehran: Islamic Sciences Publication Center [In Persian].
- 36) Naraghi, A. b. M. M. (1996). *'Awa'id al Ayyam fi Bayan Qawa'id al Ahkam*. Qom: Islamic Propagation Office [In Arabic].
- 37) Najafi, M. H. (1984). *Jawahir al Kalam fi Sharh Shara'i' al Islam*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi [In Arabic].
- 38) Nouri, M. H. (1988). *Mustadrak al Wasa'il wa Mustanbat al Masa'il*. Beirut: Al al-Bayt Institute [In Arabic].
- 39) Qorashi, A. A. (1992). *Qamus Quran*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah [In Persian].
- 40) Qurtubi, M. b. A. (1985). *Al Jami' li Ahkam al Quran*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi [In Arabic].
- 41) Raghhib Isfahani, H. b. M. (1992). *Mufradat Alfaz al Quran*. Lebanon: Dar al-Ilm [In Arabic].



- 42) Ravandi, Q. S. b. A. (1985). *Fiqh al Quran*. Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library Publications [In Arabic].
- 43) Russell, S., & Norvig, P. (2023). *Artificial intelligence: A modern approach*. Pearson.
- 44) Sadeghi-Tehrani, M. (1986). *Al Furqan fi Tafsir al Quran bil Quran wa al Sunnah*. Beirut: Mu'assasah al-A'lami li al-Matbu'at [In Arabic].
- 45) Sadr, M. B., & Irvani, B. (2007). *Al Halqah al Thalithah fi Uslubiha al Thani*. Qom: Muhibbin [In Arabic].
- 46) Sahib ibn Abbad, A. Q. I. b. A. (1993). *Al Muhit fi al Lughah*. Beirut: Alam al-Kitab [In Arabic].
- 47) Shahid al-Awwal, M. b. M. (1996). *Al Durus al Shar'iyyah fi Fiqh al Imamiyyah*. Qom: Jami'at al-Mudarrisin [In Arabic].
- 48) Shirazi, M. M. T. (1992). *Hashiyah al Makasib*. Qom: Manshurat Sharif Razi [In Arabic].
- 49) Subhani, J. (1994). *Al Rasa'il al Arba*. Qom: Imam Sadiq Institute [In Arabic].
- 50) Tabarsi, A. F. b. H. (1988). *Majma' al Bayan*. Beirut: Mu'assasah al-A'lami li al-Matbu'at [In Arabic].
- 51) Tabatabai, S. F., & Binesh-Behniya, E. (2022). The legal ruling on the use of artificial intelligence as a judge from the perspective of Imami jurisprudence. *Islamic Law Quarterly*, 19(4), 69–92 [In Persian].
- 52) Tabatabai, M. H. (1994). *Al Mizan fi Tafsir al Quran*. Qom: Ismailiyan [In Arabic].
- 53) Tabatabai-Qomi, T. (2005). *Mabani Minhaj al Salihin*. Qom: Manshurat Qalam al-Sharq [In Arabic].
- 54) Takhshid, Z. (2021). An introduction to the challenges of artificial intelligence in the field of civil liability. *Private Law Journal*, 18(1), 226–250 [In Persian].
- 55) Tashakori-Saleh, A., & Rajabi, M. (2018). Examining the competitive ability of artificial intelligence with the human mind from the perspective of the Quran. *Quran Knowledge (Quran-Shenakht)*, 21(2), 5–20 [In Persian].
- 56) Tusi, A. J. M. b. H. (1987). *Tahdhib al Ahkam*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah [In Arabic].
- 57) Zuhayli, W. (1998). *Al Wajiz fi Usul al Fiqh*. Beirut: Dar al-Fikr al-Mu'asir [In Arabic].